

موسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز

درد دلی با همشهریان گرامی
(قسمت سوم)

مهر ماه 1383

شناسنامه حقوقی کتاب

نام کتاب : درد دلی با همشهریان

مؤلف : گردآوری

ناشر : روابط عمومی موسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز

نوبت چاپ : دوم

تیراژ : 3000 جلد

تعداد صفحه : 112 صفحه

قطع کتاب : رقعی

تاریخ و محل نشر : مهر ماه 1383 - تبریز

چاپ : ترقی تلفن 5263585

لیتوگرافی : تصویر

قیمت : اهدائی

ISBN : 964 - 06 - 3

شابک : 964 - 06 - 3134 - 5

فهرست

5	مقدمه
5	نامه حضرت علي امير المومنين (ع) به مالك اشتر والي مصر
6	رسيدگي بكار يتيمان و ساخوردگان
8	گامي انساني - اسلامي در رفع خلأ اجتماعي
10	همدردي با ديگران
13	مبارزه با آسيبهاي اجتماعي
14	اغراف اجتماعي
15	واژه اغراف
17	لزوم نهادهاي اجتماعي اصلاح گر
18	انفاق منبئي گرانقدر براي سد خلأ
21	تشكيل موسسه خيريّه حمايت مستمندان تبريز
23	بخشهاي موسسه
23	بخش صندوق
25	نان كفاره
26	زكات فطره
27	بخش حذف تشريفات زائد (تابلوهاي تسليت جايجزين شاخه گل)
29	تابلوهاي متفرقه
30	گوسفندهاي قرباني و گوشت و پوست و روده آنها
31	بخش تحقيق
32	بخش مشورتي
33	بخش ديني و فرهنگي خانوادههاي تحت پوشش حمايت
34	بخش عزاداري حضرات معصومين عليهم السلام
35	بخش رعايت عظمت قرآن كريم
39	بخش كاريابي (اولويت كار از ديدگاه حضرت رسول اكرم (ص))
40	سعد انصاري و دستهاي او
43	نمودار كاريابي سال 82
44	مسافرين ابن السبيل (در راه مانده)
45	بخش جهيزيّه و ازدواج
46	اهميت ازدواج از نظر شارع مقدس
47	ميهمانيهاي مراسم سوگ
50	دفتر نمايندگي تهران
51	وضع بازارهاي تهران و تبريز

فهرست

53	برخي از شيوه هاي اعمال شده گزارش از متكديان تهران
55	مقايسه منصفانه
57	نيازمند آبرومند يا متكدي از ديدگاه اسلام
59	كلمات حضرات معصومين (ع) در مذمت سوال
60	آياتي از قرآن مجيد در شناخت نيازمنندان
61	مطلبي از معصومين (ع) در مذمت گدائي
64	تاكيد اكيد اسلام به تأمين نياز درماندگان و تكليف حساس و سنگين ما
66	مسئوليت مسلمين در مقابل محرومين جامعه
69	مسئوليت توانگران در قبال نيازمنندان عفيف
70	بودجه تأمين نيازمنندان
72	تحليلي از تكدي
74	بيامدهاي تكدي و راه چاره
76	نتايج سوء سائل پروري
78	مجازات قانوني تكدي
79	صدقه تنها با پول خرد نيست
80	تكدي و حاميان ناآگاه آن
83	منظوراصلي اسلام وبه پيروي از آن هدف اين موسسه از بين بردن گدائي و ...
85	گدا طبع تنگ نظر هر قدر ثروتمند شود خوي گدائي و پست فطرتي را از دست نخواهد داد
86	سابقه بيمه 1400 سال پيش
88	بدعتها و خرافات
90	علت اصلي سائل پروري
91	ترفندهاي گدايان در عصر حاضر
94	كودكان اجاره اي در آغوش گدايان چلاق باشند گرانتزند.
101	اظهارات يك عضو افتخاري اين موسسه
105	حل مرغوب براي گدائي
106	گدايان در انگلستان و هند
107	طرز آبياري درختان
108	الاعمال بالنيات
109	تقاضا از مردم شريف
111	بيلان سال 82

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اليه مصائر الخلق و عواقب الامر و نحمده على

عظيم احسانه و برهانه و نوامی فضله و امتنانه

سپاس مر خدایي راست که عواقب امر بطرف اوست ستایش می آوریم به
بزرگی احسان و درخشانی برهان و وفور فضل و امتنانش .

نامه حضرت علي امير المومنين (ع) به مالك اشتر والي مصر

امام علي (ع) که حکومتش نمونه حکومت عادلانه و دموکراتیک جهانی
است در رابطه با ((فقر زدائي)) از جامعه مسلمين به مالك اشتر فرماندار
متعهد خود در مصر چنین مینویسد :

ثم الله الله في الطبقة السفلى - و سپس خدا را خدا را در مورد طبقه فرودین
از بینوایان و نیازمندان و گرفتاران و ناتوانان که بیچاره اند کوتاهی
مکن زیرا در میان این قشر بعضی سائلند و برخی روی گدائی ندارند و
برای خدا حقشان را که او بتو سپرده است پاس دار و بخشی از بیت المال
را بآنان اختصاص ده و نیز بخشی از خالصه (1) اسلامی را در هر شهری
به آنان واگذار زیرا دور افتاده ترین آنها دارای همان حقی است که
نزدیکترینشان ، و تو مسئولیت همه آنها را بر عهده داری پس مبادا
مستی ریاست و ثروت تو را از رسیدگی بدانها باز دارد که یقیناً بدلیل
پرداختن بکارهای مهم از نادیده گرفتن حق پیش پا افتاده معذور نباشی -

پس توجّهت را از آنان بر مگردان و در برابرشان چپ بر پیشانی میفکن و بکار آنان که دستشان به تو نرسد و در دیده ها خوارند و نزد مردان خرد. دلجویانه رسیدگی کن و برای بررسی احوالشان از یاران مورد اعتمادت که خداترس و فروتن اند کسانی را برگمار تا کارهایشان را بتو گزارش دهند.

رسیدگی بکار یتیمان و ساخوردگان

سپس خود در مورد آنان چنان عمل کن که روز دیدار با خدا ترا عذری نماند زیرا بیشک از میان توده مردم اینان به عدل و انصاف نیازمندتر از دسته های دیگرند و در مورد ادای حق هریک چنان عمل کن که در پیشگاه خداوند معذور نباشی و مدام بکار یتیمان و خردسالان بی سرپرست و ساخوردگان که برای گرفتاری خود چاره و روی سوالی ندارند رسیدگی کن (1) البته آنچه برشردم برای زمامداران سنگین است و حق همه جا دشوار و سنگین است اما خداوند آنرا برای مردمانی که طالب حسن عاقبت اند و در این راه صبر و شکیبائی پیشه ساخته و براستی وعده های الهی دل بسته اند سبک سازد ،

بخشی از وقت و نیروی خود را برای حاجتمندان اختصاص ده و جلسه های عمومی با ایشان بگذار و در آن برای خدائیکه تو را آفریده است فروتنی کن و سپاهان و یاران پاسدار و نگهبان خود را از آنان دور ساز تا هر کس از آن حاجتمندان که حرفی دارد بدون ترس و نگرانی بگوید زیرا من از پیامبر خدا درود و سلام خدا بر او و خاندانش بارها شنیدم که

1- توجه امام به آبرومندان است نه سائلین حرفه ای

میفرمود :

امتی که در میان آنان حق ضعیف بدون درنگ و واهمه از قوی گرفته نشود هرگز پاک و آراسته نخواهد شد.
بنابر این درشتی ، بدزبانی و لکنت آنان را تحمل کن و تنگ خلقی و غرور را از خود دور ساز تا خدا دامنه رحمتش را بر تو بگشاید و پاداش طاعتش را بتو ارزانی دارد عطای خود را بر آنان گوارا ساز و بگاه خودداری از بخشش خوشرویی و پوزش طلب باش.

گامی انسانی - اسلامی در رفع خلأ اجتماعی

اکنون که می‌خواهیم بیان کار خود را در انجام يك وظیفه انسانی و اسلامی و رفع مسئولیت خود را در ارائه خدمات ناقابل در موسسه خیریه حمایت از مستمندان ، عرضه نمائیم و مسلمانان و همشهریان گرامی را در روند کار خود قرار دهیم که چگونه این موسسه خیریه بوجود آمد و در چه زمانی تاسیس یافت ، چه اهدافی را دنبال میکند ، چگونه آنرا سازمان دهی کرده و تعمیم دهیم. جا دارد که چند سخنی را با همشهریان عزیز گفتگو نمائیم ، درد دل‌های خود را با آنان در میان بگذاریم که با مشورت و راهنمایی‌های آنان چگونه این وظیفه انسانی ، اسلامی را به انجام رسانیم و دیگران را نیز در این مسئولیت اجتماعی همراه نمائیم. آری در مجموع این تلاش‌های اسلامی ، انسانی بوده است که شهر عزیز ما ((تبریز)) لقب ((شهر بدون گدا)) بخود گرفته است که این موهبت الهی را بر همکاران و هیاران و دیگر مسلمانان تبریک می‌گوئیم.

احساس مسئولیت در برابر آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد جامعه ای ((سالم)) ، پاک ، غیرآلوده ، همواره از وظایفی بوده است که علم و مذهب هر دو ، بر ضرورت وجود آن تأکید می‌ورزند و انسانها و مسلمانان را به پاکسازی محیط زیست از آلودگی مادی و معنوی فرا میخوانند.

راستی آیا وقتی که چهره کریه و زشت ((فقر)) را می‌بینید در خود احساس دلتنگی نمی‌کنید؟! آیا آنان فقیرند ، انسان نیستند و یا هنگامیکه از خیابان عبور میکنید و با انبوهی از انسانهای مفلوک بدخت، نگون بخت روبرو میشوید که دست به گدایی گشوده ، زمین و زمان را بر آدمی تنگ کرده‌اند ، احساس ناراحتی نمی‌کنید؟!

راستي آيا ، اينان واقعاً محتاج و محرومند ؟ نيازمند و بي چيزند ! اگر چنين است ، قطعاً مسئوليت انساني و اسلامي ما ، بسي سنگين است كه چگونه در جامعه اي مسلمان انساني محروم در كنار ديگران كه زندگي را با رفاه بسر ميبرند ، زندگي ميكنند و به تعبير امام علي (ع) جا دارد كه انسان مسلمان از غصه و غم آنها و ديدن سيمي فقر در چهره انساني محروم ، ببرد و آرزوي مرگ نمايد و يا اينكه آنان كه دست به گدائي ميگشايند آدمهائي شياذ ، افرازي اخرافي ، انسانهائي عوضي هستند كه از عاطفه انساني ، اسلامي جامعه مسلمان سوء استفاده ميكنند و با قيافه هاي زشت و حرركات ناهنجار ، چهره زيباي شهر را غمبار کرده و آلوده نموده اند. اگر چنين است كه قطعاً اين يك آسيب اجتماعي است كه بايد اصلاح گردد و جامعه بحالت طبيعي خود باز گردد و قطعاً از مصاديق امر به معروف و نهي از منكر است و يا اين چهره ها ، حكايت از يك عدم انسجام اقتصادي ، اجتماعي جامعه و از وجود طبقات محروم و قشربندي نابرابر و طبقات زحمتكش دارد كه خود يك ((خلأ)) اقتصادي و آسيب اجتماعي است و در هر صورت وظيفه انسانهاي عدالت خواه را دو چندان ميكنند كه با ((انفاق)) خود (كه يك دستور اسلامي است) اين خلأ را پر كنند و جامعه را به حالت تعادل اقتصادي ، احياء و از بهره مندي از نيروهاي انساني كه خود سرمايه اي زياد است استفاده نمايند و مجاي ((فقير)) زدائي به ((فقرزدائي)) پردازند. احساس اين مسئوليت و وظيفه وجدان مسئولين موسسه را واداشت كه به اين مهم انساني ، اسلامي اقدام و مجشي از دين خود را در انجام اين رسالت اجتماعي ادا نمايند.

همدردي با ديگران

ما ، با انسانهاي روبرو هستيم كه دردمند بوده و از يك مسئله دروني ، ناداري و فقر رنج ميبرند ، آيا آنان چگونه احساسي دارند ، آيادرانديرون آنها چه ميگذرد ، آيا آنها دنيا را چگونه ميبينند ؟! در اين آيا وجدان ومذهب به ما حكم نميكند كه با آنان هم احساس و هم درد باشيم و چند لحظه اي يا چند ساعت خود را بجاي آنها فرض نمائيم ؟!

مفهوم و معنای ((همدردي)) خيلي نزديك است با مفهوم خود را به جاي ديگران گذاردن و احساسات طرف مقابل را درك كردن. در مفهوم اولي ((همدردي)) ميگوئيم : منم چون شما احساس دارم يا منم همان احساسي را دارم كه شما داريد ولي در معنای دومي ميگوئيم من ميفهم كه شما چه احساسي داريد يا من احساسي را كه شما داريد درك ميكنم. بيان معنای دوم ، ما فكر و مغز خویش را بيشتري از قلب خود بكار ميبريم. هنگامی كه شما براي كسي ((دلسوزي)) و با وي ((همدردي)) ميكنيد ، شما رنجها و دردها و اندوههاي وي را ميپذيريد و آنها را مجدداً منعكس ميكنيد. پذيرش و انعكاس مجدد اين رنجها واندوهها ، ممكن است خود موجب افزايش نگرانيهاي وي گردد.

ولي در معنای دوم ((خود را بجاي ديگران گذاشتن)) شما بينش و بصيرتي ، بكار ميبريد كه كمك بيشتري به شخص رنج ديده و اندوه كشيده خواهد كرد تا بر ناراحتيها و نگرانيهاي خود فائق آيد ! اين ديگرشناسي ، نخستين مرحله شروع كار است. اكثرأ فرض ما بر اين است كه در هنگام برخورد با مشكلات ، ديگران عیناً همان احساسی

را دارند که ما داریم. برای آنکه خود را بجای دیگری بگذاریم و احساسات او را ، آنچنان که هست درک کنیم ، لازم است واکنشها و احساسات خویش را کناری نهیم و سعی کنیم. جهان را از درون دیده ((آن دیگر)) بنگریم.

آگاهی از اینکه دیگران چه میاندیشند و چه احساس میکنند، میتواند کلیدی موثر ، برای حل معضلات اجتماعی و مدیریت جامعه باشد. يك استاد دانشگاه میشیگان آمریکا میگوید (1) :

((کارگری که احساس میکند که کارفرمای وی ، تنها به صورت يك ((مهره ماشین)) به وی نگاه میکند ، شك نیست که چنین کارگری يك تولید کننده ضعیفی برای کارفرما خواهد بود. ولی هنگامی که کارگر حس کند که کارفرمای وی صمیمانه به او ، علاقه دارد به مشکلات شخصی او ، در آینده او و رفاه او توجه دارد. این چنین کارگری ، محتملا تولید کنندهی بهتر و موثرتری از کار در خواهد آمد. (2)

این دانشمند اضافه میکند :

پزشکی که سعی میکند جهان را از دید بیمار ببیند وی دیدن واقع بینانه تر برای درک حالات عاطفی و احساسات بیمار بدست میآورد ،

1- پرفسور کی نی kiyney جهان را از دریچه چشم دیگران دیدن - ترجمه

محسن قندی - صفحه 67 -مطبوعات عطائی - تهران - 1346

2- همان صفحه 71

بدینوسیله بهتر میتواند هیجانهای بیمار را تسکین بخشد. برای بهبود سریعتر ، بازگشت سلامت بوی کمک دهد (1)

فرا گرفتن این هنر که انسان بتواند خود را بجای دیگران بگذارد احساس او را درك کند و جهان را از دیده وی ببیند ، احتیاج به شکیبائی و حوصله فراوان دارد. لازم است همیشه بخاطر بسپاریم که خود را بجای دیگری گذاردن و جهان را از دید دیگری دیدن ، هنگامی به نتیجه صحیح و مطلوب میرسد که شخصی در کنار احساسات طرف مقابل و جدای از آنها باقی بماند و احساسات طرف را تشخیص دهد و درك کند.

در چنین صورتی نتایجی که بدست می آید پرارزش و مفید و قابل توجه خواهد بود. بدست آوردن این مهارت بمنظور وارد شدن در مغز و اندیشه و قلب انسانها و درك عواطف و احساسات آنها ، کار ساده ای نیست ولی با چشم باز و گوش شنوا و خلوص نیت میتوان این چنین بینش و بصیرتی را در ((فهمیدن)) انسانها و ایجاد تفاهم مشترك با تمرین و تجربه و کوشش بدست آورد (2)

مبارزه با آسیبهای اجتماعی

اکنون مسئله ((فقر)) و چهره اجتماعی نازیبای آن ((تکدی)) را از نظر دیگر مورد مطالعه قرار میدهیم و مسئله را از زاویه اجتماعی بررسی میکنیم و ارزیابی مینمائیم. اصطلاح آسیبشناسی پاتولوژی اصطلاحی است که پزشکان آنرا در مورد آسیب سلامتی آدمی بکار میبرند. وقتی که وجود آدمی آسیبی میبیند و سازمان بدن و ارگانیسم انسانی صدمه میبیند و پزشکان تلاش میکنند که آسیب و صدمه سازمان وجودی راتشخیص دهند و صدمه و زیانی را که از این حادثه به سلامتی تن وارد میشود مورد معالجه قرار میدهند تا دوباره سازمان بدن تعادل خود را دریابد و سلامتی را باز گرداند.

ارگانیسم اجتماعی نیز بمنند ارگانیسم بدن آسیب پذیر است و ناهنجاریهای اجتماعی ، سلامتی ، امنیت آنرا بحظر میاندازد و آسایش و آرامش روحی را از همگان میگیرد ، از این رهگذر است که جامعه شناسان نیز اصطلاح آسیبهای اجتماعی را با عاریه گرفتن از پاتولوژی پزشکی ، بکار میبرند و با شناخت آسیبهای اجتماعی تلاش و در بهبود و سلامتی جامعه میکوشند تا جامعه تعادل خود را بدست آورد و همگان با آرامش روحی زندگی جمعی خود را تداوم دهند.

دقیقاً در شعر سعدی شیراز این نکته تضمین شده است که

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

انحراف اجتماعی

رفتار انحرافی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات رفتاری مشترك يك گروه خاص سازگاری ندارد و دیگر اعضای جامعه آنرا ناپسند یا نادرست میدانند.

در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزشها و هنجارها تبعیت کنند. اما همواره عده ای پیدا میشوند که پاره ای از این ارزشها و هنجارها را رعایت نمیکنند. جامعه افرادی را که هماهنگ و همساز با ارزشها و هنجارها باشند ((سازگار)) یا ((هنوا)) میخواند. بنابر این ((هنوائی اجتماعی)) یعنی مراعات هنجارها. ولی منظور از ((هنوائی اجتماعی)) نقض نکردن هنجارهای اجتماعی است. از این رو کسانی که با جامعه ((هنوا)) هستند به ((هنجار)) شمرده میشوند و آنان که هنوائی ندارند ((ناهنجار)) نام میگیرند. از میان افراد ناهنجار کسی که رفتار ناهنجارش زودگذر نباشد و دیر گاهی دوام آورد ، کجرو یا منحرف است و رفتار او را ((کجروی اجتماعی)) یا ((انحراف اجتماعی)) میخوانند . (1)

واژه انحراف

واژه انحراف از صدها سال پیش به کار میرفته ، اما مفاهیم جامعه شناختی آن نسبتاً جدید است. جامعه شناسان و جرم شناسان ((انحراف)) را به رفتاری اطلاق میکنند که مخرب زندگی بوده و مورد سرزنش قرار گیرد یا موجب لکه دار شدن آبرو گردد.

غالباً انحراف مترادف با قانون شکنی اگر چه اخلاقی است و در جامعه موارد آن خیلی بیشتر از ((جرم)) است . (1)

آلبرت کوهن NEHOK TREBLA يك جامعه شناس معروف :

رذالت ، تقلب ، خدعه ، نادرستی ، جنایت ، آب زیرکاهی ، تعارض ، تکدی ، فساد ، خیانت ، اختلاس ، تبهکاری ، بهزه کاری و نظایر اینها را انحراف میدانند.

البته باید توجه داشت ، فهرست کردن نمونه هائی از این گونه انحرافها یا کجرویهای مختلف امکانپذیر نیست و به طور دقیق رفتار خاصی را به عنوان ((انحراف)) مشخص نمیکند زیرا هیچ رفتاری خود به خود انحراف نیست. هنگامی يك رفتار انحراف آمیز نامیده میشود که به عنوان رفتاری ((غیر عادی)) تلقی و تعریف شود.

همانطور که بکر (جامعه شناس) مینویسد : انحراف چگونگی عملی که شخص مرتکب میشود نیست بلکه نتیجه عملی است که دیگران

برحسب ضمانت اجرائی قوانین ، به يك متخلف نسبت میدهند . (1)

بنابر این برای آنکه عملی عنوان انحراف یا کجروی بخود بگیرد ، باید عوامل زیادی در نظر گرفته شود. این عوامل در بر گیرنده اهمیت نسبی هنجارها ، موقعیت خاصی که عمل در آن انجام شده ویژگیهای فردی و اجتماعی شخصی است که آن عمل را انجام داده است . (2)

از این مباحث گذشته ، نتیجه میگیریم که ((تکدی)) گرچه خود يك عمل انحرافی ، آسیب اجتماعی و عملی ناهنجار است اما باید توجه کرد که این تنها افراد تنبل ، بیعار ، بی آبرو نیست که دست به تکدی میزند و چهره شهری را از ناهنجاریهای روانی و اجتماعی آلوده میکند ، بلکه شهروندان نیز در پدید آمدن این عمل نا به هنجار دخالت دارند . بی تفاوتی در برابر این پدیده شوم ، اهمال کاری و عدم جستجوی واقعی از علل این عمل زشت و نا زیبا که احياناً مقدسات را نیز مورد تعدی قرار میدهد خود میتواند ، عاملی مهم در پدیدار شدن این رفتار ناهنجار اجتماعی گردد. چه رسد به اینکه احياناً عده ای از روی بیتوجهی ، صدقه دادن خود را به این زشت کاران بدفرجام ، نوعی عملی مطلوب ، مذهبی ، مقدس بدانند که به زعم خود به ناداری کمک میکنند و غبار غم ، پریشان دلی را میزدایند. غافل از اینکه خود به این رفتار ناشایست کمک میکنند و باب ((تکدی گری)) را به صورت رفتارهای عادی اجتماعی در می آورند و گداپروری و گدایان را با چهره های زشت متنوع ، به شکل سنت اجتماعی در می آورند.

لزوم نهادهای اجتماعی اصلاحگر

قطعاً این کار يك رفتار ناپهناار و يك آسب انااماعى است كه بايد مصلهان ، دانشمندان ، دلسوزان و مسلمانان پاكدل از طريق ايجاد ((نهاد مدنى)) كه يكى هم همين ((موسسه خريه حمايت از مستمندان تبريز)) ميباشد ، آنها برطرف نمايند.

اما راستى همه ناداران چنين اند و يا واقعاً ((خلائى)) در اجتماع وجود دارد كه آبرومندان و مردان پاكدل ولى تهى دست از اين دشمن بشرى ((فقر)) رنچ ميبند و به اصطلاح با تنگدستى روزگار ميگذرانند و با سيلي صورت خود را سرخ نگه ميدارند.

و يا چه زياد و فراوان اند جوانان بيكارى كه با داشتن توان كارى ، فرصت كار و محل مناسب آنها پيدا نميكنند و روزها و ساعتهائى خود را به بطالت و بيكارى ميگذرانند و رنچ ميبند و اشك ميريزند.

و يا خانواده هاى آبرومندى كه دختر دم بختى دارند ، اما از فرستادن او به خانه شوهر ، بجهت نادارى و نبود جهيزيه ، همواره شرمنده گى ميكشند و در طول زندگى ناراحت اند.

آيا اين خلاء اجتماعى را چه طبقه اى بايد پر كند ؟!

دولت با انبوه مسئوليتهاى خود ، سازمانهاى بين المللى يا خود جامعه مسلمانان با انبوه سرمايه هاى اقتصادى كه اسلام در اختيار آنها گذارده است و يا از طريق استفاده بهينه از مخارج اسراف كارى غلط اجتماعى كه خود به صورت رفتار ناپهناار در جامعه مسلمانان ، پديد آمده است.

نمونه هاى چنين كارهاى اسرافى بسيار زياد است كه مقدارى از آن را در صفحات آينده بحث خواهيم كرد.

نفاق منبهي گرانقدر براي سد خلأ

راغب اصفهانی در ((مفردات الفاظ القرآن)) فقه اللغه واژه های قرآنی در ماده ((نفاق)) مینویسد: نفاق الشی اذا مضى و نفد(1) یعنی يك چیز از بین رفت و نایاب شد.

از این مفهوم استفاده میشود که نفاق و انفاق در مورد يك چیز نایاب شده و پر کردن ((خلأ)) بکار میرود. واقعیت این است که انفاق که یکی از دستورات مهم اسلامی است، در اجتماع يك خلأ مهم اجتماعی، اقتصادی را پر میکند و انسان مسلمان با بذل و بخشش و انفاق و احسان خود خلائی را که در اثر فقر و وجود طبقات ثروت اندوز بوجود آمده است پر میکند و يك نوع حالت تعادل و توازن بوجود می آورد. استاد علامه طباطبائی در تفسیر آیه:

((و مثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبیتاً من انفسهم کمثل جنه ربوه اصابها وابل فانت اكلها ضعفين)) (بقره 256)
((مثل آنانکه مالشان را در راه خوشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر، دل به لطف خدا شاد دارند مثل باغی است در زمین بلند که بر آن، باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان که منتظرند بدهد)) میگوید:

انفاق از مهمترین موضوعاتی است که اسلام به آن پرداخته است و آن احیای حق الناس است که از طریق زکوه، خمس، کفارات مالی و انواع

هدیه و انفاقهای واجب و صدقات مستحبی تامین میشود. خداوند از تشریع این موضوع ، اراده فرموده است که سطح زندگی و معیشت طبقه پائین جامعه را که نمیتواند بدون امداد و کمک رسانی دیگران نیازهای زندگی خود را برطرف سازد ، تقریباً بطور نسبی ، به سطح افق زندگی اصحاب نعمت و ثروت برساند.

از طرف دیگر ، اصحاب نعمت و مکنت و مال را از تظاهر به آرایش و پرداختن به مظاهر زندگی دنیائی بطوری که دست متوسط مردم به آنان نرسد منع کرده است و همینطور آنان را نهی کرده است که اسراف نمایند و تبذیر کنند (با وخرجی و زیاده روی در مصرف سبب حقد اجتماعی و اختلاف طبقاتی گردند).

غرض از تشریع این دستورات ، ایجاد نوعی زندگی متوسط اجتماعی است که همه اعضای جامعه را بهم نزدیک سازد و قانون وحدت و معاضدت و همیاری را احیا کند و اراده های متضاد ، کینه های قلبی و ریشه های حقد و حسد را بچشکاند.

قرآن چنین عقیده دارد که رسالت دین حق ، تنظیم و سازماندهی زندگی است که با رعایت همه جانبه شئونات آن ، سعادت و خوشبختی انسان را در دو جهان امروزه و آینده ، تامین کند و انسان در پرتو معارف حقه زندگی نماید و از اخلاق فاضله و زندگی پاکیزه بهره مند شود و از نعمتهای خداوندی که عطا فرموده است بهره بگیرد و از حریم وجود خود انواع ناخواسته ها و مکاره و مصیبتها و نواقص زندگی مادی را بزداید. این زندگی سعادتمندانه آنوقت میسر و ممکن است که حیات و زندگی

نوع انسانی در صفا و پاکیزگی آن ، متشابه و نزدیک بهم باشد و آن ممکن نیست مگر به اصلاح حال نوع انسانی (همه طبقات) که نیازمندی‌شان در زندگی برطرف شود و همگان از حال همدیگر باخبر باشند و این ، تنها از طریق امکانات مالی و ثروت ممکن است و تنها راه آن ، انفاق اصحاب ثروت از اندوخته‌های خود به دیگران و مسلمانان نیازمند است زیرا که : مومنان برادر یکدیگرند ، زمین مال خدا ، ثروت هم نیز : انما المومنون اخوه والارض لله والمال ماله (1)

آری تنها از این راه است که نیازمندی‌های جامعه برطرف میشود و جامعه به حالت تعادل اقتصادی ، اجتماعی روند زندگی را ادامه میدهد بی آنکه حقد و حسدی حاکم بر آنان باشد و یا اختلاف شدید طبقاتی که سرانجام جامعه را به زانو در می آورد ، بوجود آید. آیا این وظیفه ، مجز از راه ایجاد نهاد اجتماعی مدنی ((بمانند موسسه خیریه)) و اقدام مسئولانه و سازمان یافته مسلمانان دلسوز و تلاشگر ممکن میباشد ؟ آری راه همین است و وظیفه همین !!!

تشکیل موسسه خیریه حمایت مستمندان تبریز

در سال 1351 شمسی باهتمام عدّه اي از مسلمانان متعهد تبریز بانگیزه جلوگیری از آبروریزی مثنی متکدّی حرفهای با 2 هدف

(1) جلوگیری منطقی از تکدّی و آبروریزی

(2) جایگزین کردن کمکهای معقول و مشروع و آبرومندانه (موسسه بنام حمایت از مستمندان تبریز) تشکیل یافت.

تکدّی و شیّادی از ادوار گذشته بین اقوام و ملل جهان با شگردهای گوناگون متداول بوده کشور ایران و شهر تبریز ما نیز از این مشکل اجتماعی مستثنی نبوده و نیست. تا 23 سال پیش که تعدادی از متکدّیان با سوء استفاده از کسوت شریف سادات و وسیله تکدّی قرار دادن آن در مساجد و مجالس دینی و معابر ، مقدّسات دینی را خدشه دار میکردند خوشبختانه آنها به خواست خداوند و تلاش پیگیر موسسه (31) و اهتمام شهروندان گرامی برچیده و ریشه کن شدند حالیه مشکل مهم عدم رعایت عظمت و حرمت قرآن مجید است که مسلمانان متعهد با يك مشکل دیگری زشت تر از مشکل اوّلی مواجه اند که این کتاب آسمانی در مجالس ختم و هم چنین در گورستانها بنوعی مورد تحقیر قرار میگیرد که به این طریق و با منظور نمودن مشکل ردیف اوّل دو امانت سنگین حضرت رسول اکرم مورد تهاجم گدایان قرار میگرفت تا اینکه اخیراً بخشی بنام

1- برای اختصار - بعد از این جمله موسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز - موسسه یا خیریه نامیده خواهد شد.

رعایت عظمت قرآن کریم بر بخشهای موسسه اضافه شده که در فصل خود مشروحاً بعرض میرسد : اعضا افتخاری خیریه نه تنها بطور رایگان انجام وظیفه میکنند بلکه بعضاً کمکهای مالی از طرف آنان به این موسسه اهدا میشود ضمناً کارمندان فعال و وظیفه شناس و هدفمند که اکثریت آنها با حداقل کارمزد برای پیشبرد اهداف و اجراء امور با جدّیت تمام تلاش میکنند نتیجتاً این دو جناح که در حقیقت بال و پر این تشکیلات هستند این خیریه را باوج پیشرفت کمی و کیفی رسانده اند .

بخشهای موسسه

موسسه خیریه از چندین بخش تشکیل یافته که اینک به اجمال برای هر يك از آنها توضیح داده میشود.

بخش صندوق

- 1) صندوق یکی از ارکان اصلی متضمن تامین عمده بار مالی موسسه می باشد.
- 2) و دارای انواع و اندازه های مختلف و مخصوص و محلّهای متفاوت است .
- 3) حدود سه هزار صندوق بشرح زیر بکار گرفته شده سیّار ، ثابت در معابر و خیابانها و مساجد و گورستانها و گاوصندوق ویژه ادارات و ترمینالها و بیمارستانها و غیر می باشد.
- 4) ضمناً همه ساله با برنامه های از پیش تعیین شده صندوقهای مخصوص در نماز عید فطر و غیر اقدام به جمع آوری زکوه فطره مینماید کفّاره روزه هم بوسیله صندوقهای منصوبه در دفتر مرکزی و طبقه فوقانی قرض الحسنه المهدی دریافت میشود.
- 5) صندوقها اکثراً بوسیله معتمدین محل و اشخاص نیکوکار و اعضا موسسه بازگشایی میشوند. توضیحاً حسابهای مربوطه موسسه نیز وجوه کفّاره را با قید (کفّاره روزه) روی قبضها دریافت میدارند .
- 6) آزمایش و کنترل وضع صندوقها با پولهای معین و شماره و علامات مشخص و قرائن و امارات و سنجشها و فنون آزمایشی مبتکرانه برای حفظ امنیت صندوق اعمال میشود.
- 7) برای پیشگیری از سرقت و دستبرد صندوقها و محتویات آنها از

تجارب و مشاورات سالهای متمادی و ابتکارات فنی و صنعتی و در استحکام و دقت عمل (که حداکثر مقاومت و مداومت را دارا باشند) استفاده شده بطوریکه در انتها درجه مصونیت و محفوظیت قرار گرفته اند. (8) از بعد معنوی، صندوق سبیل آبرو و نمودار غیرت و حیثیت و یکی از ارکان افتخار آفرین این موسسه است که عنوان (تبریز شهر بدون گدا) را به همشهریان بارمغان آورده.

(9) صندوق اکسیری است که اگر در دست گردانندگان مومن و مبتکر و مقاوم قرار گیرد پولهایی را که بوسیله گدایان حرفه ای در فساد و اعتیاد و تنبلی و بیکاری و بیعاری و ربا و آبروریزی بکار گرفته میشد مبدل به اولویت کار و مستمری و کمکهای قطعی و عمرانی و جنبی و تحصیلی و درمانی و رفاه و حل مشکلات قشر محروم و درمانده واقعی با رعایت حفظ آبرو و حیثیت و امانت و جوانب شرعی و اخلاقی و دوراندیشی و مبنای ریشه کنی فقر (نه گداپروزی) نموده و تغییر ماهیت مینماید. بیش از 3000 صندوق این موسسه در معابر و مساجد و بیمارستانها و ترمینال و سایر موسسات دولتی و مردمی تبریز منصوب است و عایدات آنها با نظم خاصی جمع آوری و بحساب 2000 موسسه در قرض الحسنه المهدی و حسابهای جاری این خیریه نزد چند بانک واریز و با ضوابط ویژهای برای درماندگان تحت پوشش هزینه میشود.

لازم بذکر است که وجوه واریزی این موسسه به قرض الحسنه المهدی راکد نمیماند همین وجوه بوسیله قرض الحسنه المهدی به اشخاص نیازمند از طریق وام پرداخت میگردد.

نان كفّاره

وجوه نقدی نان كفّاره روزه بحساب 2000 موسسه در قرض الحسنه المهدی با قید (كفّاره) در برگ رسید یا بصندوقهای كفّاره منصوب در دفتر مرکزی و فوقانی قرض الحسنه المهدی دارائی سابق واریز میشوند و برای سهولت کار و تازه بودن نانها در 12 نانوائی تبریز شعبه دائر شده تا مستمری بگیران هر جا که دسترس دارند بطور آبرومندانه نان كفّاره دریافت کنند و هر گاه وجوه دریافتی كفّاره جوابگوی هزینه آن نباشد کسری بودجه آن از صندوق موسسه تامین خواهد شد .

زکوه فطره

همه ساله زکوه فطره ماه مبارك رمضان بصندوقهای زکوه فطره تعبیه شده در نماز عید فطر و تمام صندوقهای منصوبه در سطح شهر و صندوقهای مخصوص زکوه فطره و مبالغ عمده آن به حساب 2000 این موسسه در قرض الحسنه المهدی خیابان دارایی و سایر حسابهای بانکی با قید زکوه فطره در قبوض رسید از طرف مردم عزیز واریز و عین همین وجوه امکاناً بدون تعویض در اسرع وقت بدرماندگان واقعی بررسی شده پخش میشود.

بخش حذف تشریفات زائد

تابلوهای تسلیت جایگزین شاخه گل

انواع گلهای رنگارنگ با اشکال مختلف و عطرهاى شامه پرور روحانگیز که حسّ بینائی و بویایی را التذاذ میبخشند و از بدایع خلقت و ظرایف صنع خداوندی هستند (هر ورقش دفتری است معرفت کردگار) و هیچ انسانی منکر و مخالف این زیباییها نمیباشد ، اخیراً این پدیده زیبا از طرف اقوام و آشنایان بعنوان تسلیت و آرایش محافل سوگ بخانواده های معزّی (مجالس ختم) اهدا میشد و در نتیجه رقابت و چشم و هم چشمی و تقلید ، کمیت و کیفیت و نهایتاً ارزش ریالی آن افزایش یافت و این بااصطلاح تسلیت و تزئین مجالس را از بعد ماهوی و معنوی ایرادی متصور نبود لکن بعَلّت پژمردن و افسردن ، به خبس و خاشاک خشکیده مبدّل میشد و خود هزینه دیگر را برای بیرون ریختن میطلبید و مصداق بارز اسراف و اتلاف و تضییع مال که شدیداً منع شرعی دارد میباشد و از لحاظ شکلی و پیامدهای جانبی مورد انتقاد است فلذا این موسسه بمنظور جلوگیری از این تشریفات بدعت گونه در سال 1370 تابلوهای تسلیت مجالس سوگ را بعنوان جایگزین شاخه گلها تعبیه و به مجالس ختم ارائه نمود که علاوه بر حذف یکی از موارد تشریفات ، خود منبع درآمدی است که به رفاه محرومین و درماندگان بررسی شده هزینه میشود و هدف اصلی حذف تشریفات است نه درآمد بیشتر و حالیه تعداد 150 شعبه بخش تابلو در تبریز و نیز در شعبه تهران (که مشخصات آن در بخش خود درج گردیده دائر میباشد) و ارسال تابلو از تبریز به تهران و بالعکس ، بامراجعه

به شعبات امکانپذیر است و بخش تهیه تابلو (تبریز) تحویل تابلو را در مقصد بطور رایگان بعهده میگیرد. شکر خدایرا که بدین طریق یکی دیگر از مشکلات جامعه بطور موفقیت آمیز حلّ و قسمتی از بارهای سنگین تشریفات از دوش مردم شریف برداشته شد بامید آن که بخواست خدا و اهتمام مسلمین بدعتها و خرافات و تشریفات زائد یکی پس از دیگری از جامعه ما رخت بربنند ، گفتنی است که هستند کسانی که با انگیزه خیراندیشی و حسن نیت یا خدا نکرده حسّ حبّ ذات بیشتر و بلندپروازی و یا خود را یک سر و گردن از همگان بلندتر پنداشتن تقاضای تابلوهای قطور و زیباتر و گران قیمت تر را مینمایند لکن موسسه بدلیل یکنواخت بودن و رعایت اصل هدف (دوری از اسراف و تبعیض) و رهائی مردم از قید تشریفات و رقابت و تقلید از تهیه و ارائه آن خودداری نموده و مینماید که مبادا این پدیده شوم و ایذاگر اسراف و خودنمایی که از در رانده شده از پنجره گردن دراز نماید ما انتظار داریم که مردم فهمیده و خیراندیش بخاطر رعایت مطالب فوق و عدم ایجاد نقص غرض از درخواست تابلو تشریفات رقابت انگیز صرف نظر فرمایند.

تابلوهای متفرقه

برای افتتاح مغازه ، کارخانه ، ترفیع رتبه اداری ، عیادت بیماران ، تبریک عروسی ، بازگشت از زیارت حج ، زیارت عتبات عالیات و غیره تابلوهای ظریف و زیبا با قابهای نفیس و عناوین و متون گوناگون مهیاشده و برای هر موضوع نوشتههای مربوط به آن آماده میباشد و متنهای دیگر که باب طبع سفارش دهنده باشد آماده و ارائه داده میشود.

گوسفندهای قربانی و گوشت و پوست و روده آنها

همه ساله روز عید اضحی (قربان) گوسفند یا پوست و روده یا گوشت آن کلاً یا مقداری از آن در شعبات معین جمع آوری میشود و در دو سال اخیر تعدادی گوسفند در حدّ لزوم قبلاً بوسیله این خیریه خریداری و برای سهولت کار با تعیین وزن و قیمت برای انتخاب مشتریان در محوطه موسسه ارائه میگردد سایر اوقات نیز در ساعات اداری، گوسفند قربانی یا پول در مقابل رسید قبول و گوشت آن با گوشتهای خریداری شده خود موسسه و قربانیهای عید اضحی بسته بندی و در سردخانه موسسه نگهداری و مرتباً و با نظم خاص بین خانواده ها پخش میشود توضیح اینکه در عید قربان و روزهای دیگر با واریز وجه قربانی بحساب 2000 نزد قرض الحسنه المهدی یا بصورت نقدی که بعنوان قربانی در قبض وصول قید میشود بهر قیمتی که درخواست شود گوسفند خریداری و ذبح میشود و کسر مختصر وجه قربانی از محل صندوق تامین و اضافی آن به صندوق موسسه واریز میشود منتهی بهتر است اشخاصی که خواهان تمامیت گوسفند قربانی هستند مبلغی اضافه به حساب واریز فرمایند. و گوشت پوست و روده گوسفند در روز عید اضحی و فردای آن جمع آوری و پوست و روده فروش و به صندوق واریز میشود. توضیحاً نماینده دامپزشکی روز عید قربان در محل ذبح مستقر میباشد.

بخش تحقیق

شهر تبریز بلحاظ تحقیق از خانواده های مددجوی این خیریه به دوازده منطقه تقسیم و بهر منطقه دو نفر تحقیقگر با صلاحیت تعیین شده که تمام پرونده های رسیده را دقیقاً بررسی و گزارش میکنند و هر بخش خود بکوچه های فرعی بوسیله تحقیقگران تقسیم شده که به نوبت به وضع معیشت خانواده آنها بررسی و هر شش ماه یکبار تجدید تحقیق میشود و محقق در عرض شش ماه هرگز برای تحقیق بدر خانه مددجو نمیروند مگر در صورت مبهم و ناقص بودن و عدم صراحت تحقیق یا علل دیگر بخش مشورتی دوباره به تحقیقگران یا دائره بازرسی که در تمام امور جاری موسسه بنحو احسن بازرسی میکنند ارجاع میکند.

بخش مشورتی

این بخش متشکل از گروههای سه نفری که فعلاً شش اکیپ هستند بعدازظهر روزهای سه شنبه پرونده های تحقیق شده را رسیدگی و به ارجاع کار (که در اولویت است) یا مستمری ماهانه یا کمکهای قطعی سرمایه و غیر و کمکهای دیگر یا تعمیرات و بناکاری که در تمام سال حتی زمستانها هم داخل ساختمانها دائر میباشد یا معالجات و غیر رای میدهند و در صورت تشخیص عدم استحقاق پرونده بایگانی میشود و دفتر موظف است بلافاصله آرا صادره را اجرا نماید.

مجلس دینی و فرهنگی خانواده های تحت پوشش حمایت

در سالهای اخیر با این انگیزه که مبادا خانواده های كمك پذیر از برنامه های اخلاقی و واجبات دینی بی اطلاع باشند یا مسامحه نمایند ، در تعطیلات تابستانی با دعوت دانش آموزان خانواده های تحت پوشش و مادران آنها با توزیع يك جلد كتاب در بین دانش آموزان و طرح سوالاتی از آن و سایر معلومات عمومی در جلسات بعدی امتحان کتبی و شفاهی بعمل می آید و جوائزی بین آنها توزیع میشود تا دانش آموزان و خانواده آنها به برنامه های دینی و اخلاقی تشویق شوند .

امیدواریم که به فضل الهی ومقتضای زمان و اهتمام مسئولین موسسه این مجلس نیز از لحاظ كمی و کیفی به گسترش و پیشرفت چشمگیری نائل آید .

مجلس عزاداری حضرات معصومین (علیهم السلام)

از سال 1381 همه ساله در ایام رحلت و شهادت هر يك از پنج تن آل عبا موكب عزاداران متشكل از اعضا و علاقه مندان موسسه در سالن دفتر مركزی خیریه حضور بهم رسانیده و درست راس ساعت مقررّه در خیابانها و معابر به عزاداری میپردازند.

بخش رعایت عظمت قرآن کریم

پیامبر اکرم (ص) رعایت دو امانت سنگین قرآن و عترت را سفارش فرموده که متأسفانه در شهر ما هریک بنوعی مورد تحقیر متکذیان و غیر قرار میگرفتند شکر خدایرا متکذیانی که از خود شهر یا آنانکه از اطراف باملبس شدن بکسوت شریف سادات بشهر میریختند و معابر و مساجد و مجالس را جولانگاه خود قرار میدادند که هیچ مجلس و محفل و شخص از دست آنها در امان نبود بطوریکه ذکر گردید بیاری خدا و تلاش پیگیر وباید و شاید نه تنها از توجه و بزرگداشت ما مسلمانان برخوردار نیست بلکه با تحقیر و سبک شماری مواجه است در مجالس ختم هنگام تلاوت قرآن برخلاف دستور آیه و اذا قري القرآن فاسمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون (1) زمانیکه قرآن تلاوت میشود گوش فرا دهید و خاموش شوید تا مورد ترحم قرار گیرید پذیرائی و سرو صدا و گفتگو ، همه و رفت آمد حکمفرما بود که این بخش از مواسسه حدود سه سال است که با مشاوره علما اعلام پیشنهادهاي پنجگانه به مجلس ختم ارائه داده که حین قرائت قرآن این نکات رعایت شوند

- (1) سکوت کامل (2) عدم پذیرائی (3) گوش جان سپردن به مضامین آیات شریفه (4) جلوس (نشستن صاحبان عزا) (5) پرهیز از ترك مجلس بهنگام قرائت قرآن - که بتدریج اجرا و قرآن مجید جایگاه اصلی خود را

باز می یابد البته این پیشنهاد موسسه الهام گرفته از سیره پیشوایان مخصوص امام علی (ع) است که به پیروی از مضمون همان آیه شریفه حتی در هنگام نماز که بعضی از خوارج قرآن میخواندند سکوت و مکث میفرمودند. (1)

امید به عنایت و رحمت خداوندی است که پیشنهادهای فوق کاملاً رعایت شوند و اولین ضامن اجرای آن اهتمام و مباشرت مسلمانان غیور و متعصب بدین است تا علاوه بر انجام تکالیف و وظائف شرعی مورد ایراد بیگانگان بویژه قرآ خارجی که به وضع مجالس قرآن و کم حرمتی شیعیان اعتراض میکردند واقع نشویم همچنین قرآن ، این قانون اساسی مسلمین جهان در گورستانها وسیله تکیه و سودجویی عده ای گدای قرآن خوان معلوم الحال فاقد طهارت و پاکی و صلاحیت با قرائت از روی قرآنی که صفحات و جلد آن کثیف و چربی شده بطرز غیر صحیح باصطلاح قرآن میخوانند قرار گرفته و از هر جهت زائرین قبور را اذیت کرده و موجب ناراحتی شده و متأسفانه از جانب بعضی از افراد ساده لوح تشویق میشوند ، از اشخاصیکه بیمورد و بیجا به گدایان قرآن خوان بخش میکنند میپرسیم که اگر شما دو سطر نظم یا نثر انشا کنید بدست گدایان میدهد که در گورستانها بخوانند ؟ قطعاً جواب منفی است چرا ؟ چون زحمت کشیده اند و علاقه دارند لکن چون قرآن با خون شهدا و با زحمات طاقت فرسا و مجاهدت علما از صدر اسلام الی زماننا هذا بدست ما

رسیده نه قدر میدانیم نه ابراز علاقه میکنیم ، کسانی که به علت حجب یا غرور یا عدم آشنائی به قرائت قرآن یا غفلت از عظمت آن از خواندن قرآن خودداری میکنند شایسته است بجای این گدایان سودجو خودشان قرآن بخوانند و اگر خدا نکرده لازم میدانند که برای همیشه این گدایان سمج را برای آبروریزی قرآن و اجتماع مسلمین مسلط کنند خود دانند

حکیم ابوالحسن خرقانی با مریدان خود میگذشت گدای قرآن خوانی را دید و اعتنا نکرد بعد شخصی را دید که ساز مینوازد پوی باو داد مریدان ایراد کردند که چرا پول بقرآن خوان ندادی به نوازنده ساز دادی شیخ فرمود اگر پوی در طاقچه خانه باشد و ما دستری به آن نداریم .

بنظر شما قرآن را زیر پا بگذاریم یا آلت موسیقی را گفتند آلت موسیقی را، گفت این دو برای دستری به پول یکی قرآن و دیگری آلت موسیقی را زیر پا گذاشته اند فلذا به نوازنده ساز که قرآن را زیر پا نگذاشته پول دادم .

بخش رعایت عظمت قرآن کریم این موسسه بمنظور پیشگیری از این نوع اهانتها و سبک شماریهای قرآن مجید روزهای پنجشنبه و جمعه در سالن شهدا گورستان وادی رحمت قرائت قرآن بصورت زنده توسط قاریان مومن و متقی و نوارهای قرآ مشهور داخلی و خارجی با ترجمه آن بخش و ثواب آنرا به ارواح مومنین بخصوص درگذشتگان وادی رحمت یا گورستانهای دیگر هدیه میکند و نیز صندوقهای (احسان اموات) در محوطه گورستان و داخل ساختمان نصب نموده که مردم شریف وجوه اهدائی و احسان آمرزش اموات را بآنها واریز فرمایند تا این نسخه عملیه

مسلمين جهان با قرائت صحيح قرآن توسط افراد صلاحيت دار از دست
سائين قرآنخوان اينچيني و گدا پروران عوام آنچناني رها شود آيا
بيمار عاقلي پيدا ميشود كه نسخه پزشك را دست گدايان بدهد كه در
گورستانها بخوانند ؟

بخش کاریابی

اولویت کار از دیدگاه حضرت رسول اکرم (ص)

شخصی بنام ابوصالح از نبی اکرم کمک مالی خواست فرمود برو کار کن او کسی را بعنوان وساطت خدمت حضرت فرستاد باز حضرت امر بکار فرمودند بعد آن شخص رابط پشت سر حضرت آمد و کمک مالی شخص نیازمند را تکرار کرد حضرت فرمود بگو کار کند توجه فرمائید ((آیا این مایوس و محروم کردن سائل است یا راهنمایی و مصلحت گوئی ؟)) ابوصالح با توصیه و اصرار حضرت برگشت و در راه پیرمردی را دید پیرمرد به ابوصالح گفت خوشا به حالت که جوانی و کار میکنی و خسته شده و اینجا نشسته ای ابوصالح ماجرا را به پیرمرد گفت. پیرمرد گفت تبری دارم که به فلان قیمت میدهم ابوصالح تبر را خرید تا با کارکردن بدهی خود را تصفیه کند بالاخره با خارکني و هیزم شکني ثروتمند شد بعداً شخص نیازمندی از او که شخصی خیر نامی شده بود کمک مالی خواست او پیشنهاد کار کرد و گفت این پیشنهاد را از رسول خدا (ص) یاد گرفته ام و این روش در تاریخ زندگانی ایشان و اهل بیت عصمت مکرراً بروز کرده .

سعد انصاري و دستهاي او

پیامبر اکرم (ص) از جهاد برمیگشتند که سعد انصاري را مشاهده فرمودند که در نهایت جدیت مشغول زراعت بود و با او مصافحه کرد فتقبلها رسول الله يعني پس رسول الله دستهاي او را براي مصافحه قبول فرمودند يا فتقبلها رسول الله حضرت رسول دستهاي او را بوسیدند و از احساس و مشاهده دستهاي پینه بسته او که در راه تامین عائله خود در نهایت تلاش کار میکرد و دستها به آن حالت پینه بسته بود فرمود اینها دستهاي است که هرگز آتش با آنها تماس نمیگیرد .

مشکل کار و کاریابی بویژه بیکاری جوانان که با هزینه های کلان زندگی امروز و مخارج آینده خود مواجه هستند موضوعی است که زبانزد خاص و عام است و چون قشر بیکار و درمانده با این موسسه بیشتر در تماس هستند فلذا گرفتاریها بعینه لمس میشوند با توجه به اینکه تعدادی از مراجعه کنندگان بکاریابی موسسه علي الخصوص از افراد تحت پوشش بعضیها از روی تنبلی و تنپروري باطناً مایل به کار نیستند یا در واقع مشغول کار هستند یا درآمدی دارند که بروز نمیدهند یا معلول و نیمه معلول و سالم هستند تعلل و تمارض میکنند تا علاوه بر درآمد خود پول مفت هم از این خیریه بستانند لکن روش کار و تجربه موسسه این است که با تاسی از دستورات و عملکرد حضرات معصومین (ع) کار و عزت نفس را در اولویت قرار دهند چون هدف این سازمان بخشش بیجا و تنبل پروری نیست منظور ایجاد کار و امکاناً از بین بردن فقر است حتی اگر متقاضی ماهانه پنجاه هزار تومان هزینه زندگی دارد و امکان دارد که سی هزار

تومان درآمد از راه کار کردن به دست آورد برای ایجاد اشتغال حمایت شده و کاهش اختلاف میان درآمدها و تواناییهای کار بیست هزار تومان هم این خیریه میپردازد یعنی توان نارسائی و معلولیت او را این خیریه میدهد و به نسبت مخارج زندگی و موقعیت و امکان شغلی و سایر قرائن درصدی هم از میزان درآمد کارش موسسه به عنوان کسری درآمد تامین میکند لازم به توضیح است که خانوادههای تحت پوشش این موسسه که از لحاظ تامین معیشت و ایجاد کار در مسئولیت این موسسه میباشند معهدا در مواقع ضرورت و شرایط خاص افراد غیر تحت پوشش نیز پس از تحقیق و شناسائی لازم با انگیزه انجام کار نیکو به کار ارجاع میشوند و موسسه در امور کاریابی مسئولیت، هیچکدام از کارفرما و کارگر را بعهدہ نمیگیرد صرفاً معرفی است و نیز از نظر اهمیت و لزومی که ازدواج از نظر شرع مقدس دارد و بعلت رابطه تنگاتنگ که ازدواج و کاریابی در مورد تامین هزینه زندگی باهم دارند و در اثر فوت همسر زن نیاز برمدی دارد که قبول مسئولیت تامین هزینه خود و بچه ها را بنماید یا مرد نیاز بزنی دارد که امور داخلی خانه را اداره کند به هر ترتیب ازدواج در هر سن و سالی برای بشر ضرورت دارد فلذا اخیراً کاریابی ضمن انجام مسئولیتهای کاریابی خانوادههایی را برای انجام امر خیر و مقدس ازدواج بهمديگر معرفی میکند و اواخر سال 82 تعداد سه فقره راهنمائی ازدواج رسمي انجام گرفته.

بطوریکه در نشریه شماره 2 صفحه 23 درج شده باین مضمون که انشا... بخش کاریابی بیش از پیش فعال خواهد شد شکر خدا را که ما را

بأنجاز وعده موفق گردانید و حالیه بیاری خدا بخش کاریابی در خدمت
مردم شریف و پیشرفت امور موسسه گامهای موثر و مهمی برمیدارد و
بیش از انتظار شکوفا شده .

نمودار کاریابی سال 82

- (1) از خانواده های تحت پوشش حمایت 184 نفر
- (2) از افراد غیر تحت پوشش 1106 نفر که حدوداً 10 % احتمال عدم موفقیت دارد
- (3) افرادی که دچار معلولیت بوده اند جهت اشتغال بکارخانه ها و شرکتهای معرفی شده اند 4 نفر
- (4) تعداد تابلو فرش که جهت بافت به متقاضیان داده شده 229 تخته
- (5) قالی 3 * 2 متر جهت بافت به متقاضیان 19 تخته

مسافرين ابن السبيل (در راه مانده)

كساني كه به بهانه غير بومي بودن تكدي ميكنند با هزينه موسسه تغذيه و اسكان وبعد با صدور بليط از ترمينال بطور رايجان به موطن و مقصد خويش برميگردند يعني گدايان وارداتي به ديار خود اعزام و شهر بدون گداي تبريز از گزند كلاشان و اخاذان مصمون ميمانند.

يا مسافرين نيازمنند آبرومند كه غالبا همراه بيمار براي بستري شدن در بيمارستان به تبريز آمده اند و درخواست كمك ميكنند چند شب تا مرخصي بيمار با هزينه موسسه در مسافرخانه اسكان داده ميشوند تا به اين طريق اشخاص درمانده كه توقف آنها در تبريز ضرورت دارد آبرومندانه اسكان يابند.

بخش جهیزیه و ازدواج

این بخش خود را موظف میداند که به دختران خانواده های تحت پوشش حمایت این خیریه پس از بررسیهای لازم و صدور رای اعضا بخش طبق مقررات جهیزیه تقدیم نماید ضمناً خانواده هائیکه دخترانشان را با امکانات خود بمرحله رشد رسانده اند و درآمد نسی دارند لکن توان مالی برای ازدواج دخترانشان ندارند و عفت و حیا و غرور انسانی مانع از آنست که قبلاً تشکیل پرونده نموده و تحت پوشش قرار گیرند اگر درخواست جهیزیه نمایند پس از رسیدگی و تصویب از بودجه ای که طی دعواتی از اشخاص خیر جمع آوری شده جهیزیه مقرر تقدیم و در صورت داشتن قدرت بازپرداخت بصورت وام پرداخت میشود.

اهمیت ازدواج از نظر شارع مقدّس

ازدواج از نظر شرع مبین اسلام بسیار مهمّ و ضروري و درباره آن اوامر مهم از جانب حضرات معصومین (ع) صادر شده پیامبر گرامی میفرماید ازدواج و تناکح کنید تا عده شما فزونی یابد بدرستیکه من با وجود شما به امّتها افتخار و مباهات میکنم ولو با بچه سقط شده باشد و حضرت امام جعفر صادق (ع) در جواب کسیکه میپرسید من نذر کرده ام که زیارت بیت الله الحرام یا کربلا بروم کدامیک را انتخاب کنم حضرت فرمودند ما آل محمد اینجور نذر نمیکنیم ما نذر میکنیم که بازدواج کسی مساعدت کنیم. ازدواج ملاط و چسب زندگی است بطوریکه ترك آن مورد ملامت و نکوهش شارع مقدّس است جامعه را بکوههای یخی مبدّل میکند که از همدیگر فاصله پیدا میکنند.

میهمانیهای مراسم سوگ

بعضی از مسلمانان از جمله شیعیان آداب و رسوم شرعی را نیز طبق سلیقه و دخواه خود بکار می‌بندند از قبیل اطعام که بعد از مراسم دفن و کفن میهمانیهای مفصل ترتیب می‌یابد که نه تنها موافق سنت سنیّه حضرت رسول گرامی (ص) نیست بلکه در بعضی موارد با دستورات شرع منافات دارد که همچنانکه رسول الله (ص) در تمام شئون زندگی پیروان خود دستوراتی صادر فرموده و الگوهائی داده ، در کیفیت اطعام و ولیمه نیز بلا تکلیف رها نکرده است ، در خصال شیخ صدوق رضوان اله تعالی علیه فی باب الخمسه آمده :

لا ولیمه الا فی خمس فی عرس او خرس او عزار او وکار او رکاز فاما العرس فالتزویج و الخرس النعاس بالولد و العزار الختان و الوکار الرجل یشتری الدار و الوکار الذی یقدم ، من مکّه

رسول خدا فرموده است ولیمه و میهمانی نیست مگر در پنج مورد امام هفتم میفرماید : که رسول خدا فرمود ولیمه تنها در پنج مورد است نه غیر آنهاست 1- در عروسی 2 - زائیدن (زاد و ولد) 3 - در ختنه کردن 4 - در خرید خانه 5 - در مراجعت از مکّه .

ملاحظه میفرمایید که ولیمه را فقط به 5 مورد اختصاص داده اند لکن در مراسم سوگ و ایام فوت شخصی علاوه بر اینکه میهمانی و اطعام را از ولیمه های مجاز بحساب نیاورده طیّ روایات متعدّده از آن نهی فرموده است. قال ینبغی لجیران صاحب المصیبه ان یطعموا الطعام عنه ثلاثه ایام .

سزاوار است به همسایگان صاحب مصیبت که با و سه روز غذا اطعام کنند .
3504 قال الصادق (ع) : الاكل عند اهل المصيبة من عمل اهل
الجاهليه و السنه البعث اليهم بالطعام كما امر به النبي (ص) في آل
جعفر بن ابیطالب لما جاء نعيه .

حضرت صادق (ع) فرمود خوردن نزد اهل مصیبه از عمل اهل جاهلیت است
و سنت آنها طعام بردن است بطوریکه رسول خدا (ص) درباره فرزندان و
خانواده حضرت جعفر بن ابیطالب ، موقعیکه خبر شهادتش رسید امر فرمود .
و در 9 حدیث دیگر که از پیامبر اکرم بوسیله ائمه اطهار (ع) نقل شده
که به تهیه غذای ماتم تا سه روز پس از درگذشت شخص به خانواده مصیبت زده
امر فرموده .

شایسته است که پیروان حقیقی حضرت رسول (ص) با تاسی از
فرهنگ و شیوه آنحضرت این روش را در جامعه خود احیا کنند این رسم
درست نیست که پس از فوت فردی از يك خانواده علي الخصوص که
جوان باشد هنوز اشک چشمانش خشک نشده و گرفتار تالمات روحی
هستند ترتیب مهمانی بدهند چگونه اقدام به ترتیب میهمانی تشریفات
گونه بنمایند ما هم خواه ناخواه در آن میهمانی حضور یابیم و از طرفی
حضرت امام صادق (ع) اینکار را رسم جاهلیت مجساب آورده اند آیا
سزاوار نیست که از اینگونه رسوم که با عاطفه یکفرد مسلمان و سنت
نبوی مغایر است دست برداریم و سنت حسنه سه روز تهیه غذا به خانواده
معزی را احیاء کنیم ؟ بقرار مسموع اخیراً شخصی از دنیا رفته کسی که
بامور ختم او مباشرت میکرد ، بدلیل حفظ موقعیت و آبروی متوفی اشخاص

متعدّدي از شهر و اطراف دعوت کرده که دسته دسته با مینی بوس و غیره وارد شده و در میهمانی ایام سوگ فرد درگذشته شرکت میکردند و بطوریکه آن شخص عهده دار انجام این تشریفات و امور متوفّی بلافاصله مجبور شده خانه او را بفروشد و هزینه این باصلاح احسان را جابجا نماید.

در زلزله اخیرم که یکنفر از تبریز برای کار کردن رفته بود در آن حادثه جان باخت و این موسسه برای مساعدت خانواده متوفّی پرونده تنظیم نموده که تنها نان آور خانواده دو پسر خانواده میباشند که به محض برگشتن از مدرسه کتب درسی را میگذارند و کارد فرشبافی را برمیدارند در این شرایط در مراسم سوگ بقدری میهمان از شهر و اطراف وارد شده که حدود 880 هزار تومان هزینه میهمانیها به این خانواده مصیبت زده تحمیل شده ، این رسم را ما نافرمانی بنامیم یا فرمانبرداری از فرمایش پیامبر گرامی ؟ آیا شایسته نیست هر فردی به فراخور حال خود اگر بر فرض بخود حتم کرده که در اینگونه موارد مبالغی برای آموزش درگذشتگان خود هزینه نماید بصورت نقد یا جنس به یکی از خیریه ها اهدا ، یا راسا برای رضای خالق و رفاه مخلوق به جهیزیه یا معالجه بیماران یا ادای بدهیها و غیر خرج نماید ؟ خداوند تمام درگذشتگان را قرین رحمت و مغفرت فرماید.

دفتر نمایندگی تهران

با عنایت پروردگار و اهتمام عدّه ای از اشخاص نیکوکار و مومن ساکن تهران و با تشریک مساعی موسسه اخیرا ملك يك دستگاه آپارتمان واقع در تهران خیابان 15 خرداد - بوذرجمهر غربی سابق جنب محابرات ساختمان سهیل طبقه سوم پلاک 203 بنام موسسه خریداری و شروع بفعالیت در محدوده اهداف موسسه نموده اند و انجام برنامه های ذیل از جمله اقدامات فعلی ایشان میباشد

1) توزیع تابلوی تسلیت (بجای شاخه گلها که مصداق بارز اسراف و اتلاف و تضییع مال است) به مجالس ترحیم و تابلوهای متفرقه تبریک در متون گوناگون ، ضمناً اهدا تابلو از تبریز به تهران و بالعکس امکانپذیر میباشد

2) پخش صندوقهای موسسه بوسیله دوستان به مغازهها و کارخانه ها و غیر به منظور واریز صدقات و اعانات و انفاق و غیر

3) جلب کمکهای مالی عمده طی دعوت از اشخاص خیر یا واریز مستقیم ایشان به حسابهای مربوطه در تهران برای هزینه در امور جاری موسسه یا امکاناً مصرف در امور مخصوص بالفرض مساعدتهائی که به پیشنهاد اهدا کننده بطور ویژه در راستای معالجه بیماران و هزینه محصلین و ایجاد شبکه آب و برق و گاز و امثال آنها انجام مییابد.

4) راه اندازی معالجات و عمل جراحی بیماران سخت و صعب العلاج که از تبریز معرفی میشوند .

(تلفنهای دفتر 5620399 - 5801594) انشا... با عنایات خداوندي و تلاش و اهتمام اعضا محترم شاهد گسترش كمّي و کیفی بیش از پیش این بخش از موسسه در آینده نزدیک خواهیم بود.

وضع بازارهاي تهران و تبريز

اينك يكي ديگر از مشكلات اجتماعي كه جلب توجه مي‌كند عدم نظم و ترتيب عبور و مرور و سدّ معبر در بازار مسلمان است امروز تمام ملل جهان رو بانضباط ميروند لكن بازارهاي ما در تهران و تبريز نابساماني و آشفتگي چندين آور دارد. بطوريكه حاليّه در عصر ترقّيات معجز آسا بازارهاي ما در تهران (پايتخت) و تبريز شهر مهم (سواد اعظم) سدّ معبر و ترافيك و حمل بار نامرتب و عبور و مرور نامنظم و بازارهاي تنگ ناراحت كننده است (حالا كيفيت معاملات جاي خود). آيا اين وضع دون شان مسلمانان و اسلام نيست ؟ گويا مرفهين را حفظ موقعيت و استفاده بهينه از امكانات و نيازمندان را گرفتاري روزمره و نابساماني معاش بخود مشغول کرده خلاصه ما بوضع كنوني مانند شخصي كه استخوان در گلو و ريگ در موزه دارد عادت کرده و خو گرفته ايم لكن هستند كساني كه از اين وضع اسفبار رنج ميبرند و زجر ميكشند شايد كسي بگويد تمام مشكلات اساسي و مهم حل شده و فقط اين معضل اجتماعي مانده ؟ بايد عرض كرد وقتي امكان جابجائي تمام نواقص نيست لااقل آنهاييكه در دسترس است انجام گيرند كه از هر جا شروع شود مغتنم است ، مگر كسيكه بيماريهاي خطرناك دارد وقتي پايش زخمي شود پانسمان نمي‌كند ؟

وانگهي موري كه به آب جاي پاي اسب افتاده بود ميگفت بيائيد دنيا غرق شد گفتند دنيا غرق نميشود تو اينجا غرق ميشوي مورچه گفت اينجا هم دنياي من است و اگر بنا باشد كه مثل خال كوبي تصوير شير را هر جا درد گيرد نخواهيم يال دم نميخواهم شكم نميخواهم بقول مولوي شير بي يال

و دم و اشکم که دید ؟ این چه نوع شیر میشود بهر ترتیب
آرزو بر جوانان عیب نیست امیدواریم که این مشکل هم بهمت مردم
شریف و مساعدت و همکاری دست اندرکاران محترم حل شود. این
مطالب مشهود همگان است که به محض یادآوری معروض میشود.

برخي از شيوه هاي اعمال شده گزارش از متكديان تهران

1) در گوشه اي نشسته سرش را پائين انداخته و با حالت تسليم و گريه دست بسوي مردم دراز ميکند 2) سرش را پائين انداخته و دستمالي را بادست مقابل صورت خود گرفته گريه را همراه با التماس سر ميدهد 3) حالت نابينائي 4) با ظاهر مذهبي با ريش بلند يا سفيد و عبائي بر تن 5) لرزش خاصي در بدن 6) داشتن ظاهر ناهنجار و دلخراش 7) مقداري آدامس در دست و تقاضاي کمک 8) روي مقوّا با پاهاي عريان و تکدي 9) يك آستين خود را پاره نموده بود و باحالت خاصي که دست او داشت از مردم کمک ميطلبيد 10) در کنار جوي آبي نشسته دستش را دراز کرده و تکدي ميکرد 11) چادرش را روي خود کشيده و بنظر معتاد و مريض ميآمد 12) فالگيري بوسيله کاغذ فال حافظ 13) نسخه ها و مدارك پزشكي برادرش را در دست دارد 14) درب منازل را ميزند 15) بعّلت نداشته يکپا با ناراحتي و وضع رقّت انگيز حرکت ميکند و ترخّم ديگران را بر مي انگيزد 16) بکار رمل و اصطرباب مي پردازد.

69 مورد از اين شيوه ها در کتاب دريوزگان توسط اكيپ خاص از گدايان تحقيق و گزارش و چاپ شده که اختصارا 61 فقره آن درج گرديد.

در يکي از مساجد خيابان امام خميني (حاج احمد) تبرىز شخصي ميگفت اهل زنجانم و با زن و فرزندام درمانده ايم و اگر کمک نکنيد خودکشي ميکنم يکي از اعضا اين موسسه او را به آبدارخانه مسجد برده اولاً شناسنامه او نشان داده که متاهل نيست ثانياً از يك جيب اش يكصد عدد هزار توماني درآمده حالا در جيبهاي ديگر و جاهاي ديگر چقدر ثروت

ثروت داشت خدا میداند.

زني در باب عامل تكدّي خود چنين گفت : روزي از حمام بيرون مي آمدم پله ها زياد بود و از نفس افتاده بودم لذا جلو حمام نشستم تا خستگي بگيرم ديدم رهگذران شروع به پرداخت پول كردند از آن روز اين رويّه بصورت عادت براي من درآمد. (1)

يكي از مغازه داران ظهري مقابل مغازه پاي درخت خوابيده بود وقتي بيدار شده پولهائي روي سينه و دور و برش ديده بود كه رهگذران ساده عامي ريخته بودند و اين رفتار عادت ثانويّه مردم شده.

مقایسه‌ها منصفانه

این خیریه از پولهای واریز شده بصندوقها که سابق مجیب گدایان نیرنگساز ، حقه باز ، مفتخوار ، معتاد و فسادگر روانه میشد اکنون بیش از 1000 خانواده مستمری بگیر با کمکهای جني پوشاك و خوراك و هزینه تحصیلی و درمان و انواع کمکهای مهم دیگر و عملهای جراحی خیلی مهم و سایر نیازهای زندگی و بناکاری و تعمیرات پی در پی در عرض سال و برق و گاز و آب و یخچال مساعدت میشوند شاید هر سال چندین صد نفر هم از طریق کاریابی خودکفا میشوند بغیر از اینها هر هفته چندین مشکل بیماری و زندانی و گرفتاریهای مهم حل میشوند بطوریکه سال گذشته از بیماری که 95 % بلکه صد در صد امید زندگی قطع شده بود بخواست خدا درمان و زندگی خود را بازیافت همچنین بیماران متعدّد دیگر . آیا سائل پروران با پولهایی که در عرض این 32 سال تاسیس موسسه بگدایان داده اند که سر از صدها میلیون تومان درمیآورد اگر حتی يك نفر را از مشکل و گرفتاری عمده نجات میدادند بهتر نبود؟ آیا از این اهانتهاي اشتباهي و غلط جز آبروریزی و فلاکت و بیکاری و زشتی و نفرت و سرافکندي فردي و اجتماعي نتیجه اي عاید شده است ؟ اینها همین آبهائست که مردم ساده لوح میخواهند بسان آبهاي باريك پاي درختان کهنسال بریزند و باصطلاح آنها را محروم نکنند آنها آبرا پاي درخت نمی ریزند بلکه پاي وجهه و حیثیت جامعه اسلامي میریزند که شکست و ویران کنند. در قرآن مجید حدیث قدسي و دستورات معصومين (ع) و اوليا و اوصيا و بزرگان کراراً بطور موكد اغنيا و

ثروتمندان را موظف نموده اند که حال درماندگان و محرومین را مراعات نمایند و احیاناً با مراجعه به منازل و مساکن آنها رفاه و خودکفائی بآنها ارزانی دارند و تکلیف توانمندان بقدری در این مورد سخت و حسّاس است که مساعه و سهل انگاری درباره محرومین آبرومند تا سر حدّ نامسلمانی انسان مسلمان را تهدید میکند و وظایف توانگران در این مورد سنگین است پس سائل پروران توجه کنند که تکدّی زشت است و منع از محرومین آبرومند و هکذا تشویق به سوال و تکدّی و بی غیرتی زشتتر است. با این همه تاکید و تکرار که قرآن مجید و معصومین (ع) متمکنین را به بدهیهای واجب و مستحب مکلف ساخته و از غفلت از حال درماندگان برحذر داشته آیا دستوری هم به نیازمندان صادر شده است که بروند با سوال و آبروریزی حق خود را از اغنیاء وصول کنند؟ همه جا به عفاف و آبرومندی توصیه شده و این عفاف است که تکلیف ثروتمندان را بمراتب سنگینتر نموده است.

نیازمند آبرومند یا متکدي از دیدگاه اسلام

حضرت علامه آیه اله سید محمد حسین حسینی تهرانی در کتاب (دوره علوم و معارف اسلامی ولایت فقیه در علوم اسلام) جلد 4 صفحه 216 در باب وظایفی که بر عهده حاکم شرع است میفرمایند اکنون فقط کلام در آبرو میباشد. حفظ آبرو بر عهده حاکم است و حاکم نباید اجازه بدهد آبروی مسلمانی ریخته شود حاکم باید از بیت المال مسلمین به فقرا کمک کند و از زکوه و صدقات آنها را بهره مند گرداند و از هر حمري که میتواند طبق قواعد و دستوراتی که از شرع و سنت پیغمبر صلی اله علیه و آله رسیده است باید مستمند و مسکین را اداره کند بدون اینکه دیگران متوجه شوند. مستمند به معنی ذوی الحاحه است یکی پایش شکسته دیگری قرض دارد. یکی منزل ندارد. یکی میخواهد فرزندش را داماد کند و به دخترش جهیزیه دهد و امثال ذالک.

نه اینکه حاکم آنها را در منازل خود نشانده از کسب و کار بیندازد تا سربار جامعه شوند بلکه باید هم زمان با کسب و کار کمبود مایحتاج آنها را تامین نماید. اسلام دین تنپروری نیست. حاکم با نظر دقیق خود باید افراد را زیر نظر آورد. افرادی که اهل کار هستند ولی خود را به تنبلی و گدائی میزنند ، مثل بسیاری از افراد متکدي که در میان مردماند حاکم شرع نباید به آنها چیزی بدهد بلکه باید اینها را بگیرد و تعزیز کند و بزند تا دست از تکدي بردارند چون تکدي در اسلام حرام است در هر لباسی که باشد.

حاکم وظیفه دارد اداره ای تشکیل بدهد و به نیاز مردم رسیدگی کند.

بسیاری از افراد مردم نیازمند و دارای شخصیت و آبرو که حتی برادر و اقوام نزدیک و همسایگان از حال آنها خبر ندارند و در عسرت زندگی میکنند. بر عهده حاکم است که به اینها رسیدگی کند و رفع نیاز آنها را در سر حد کفایت نه بیشتر بنماید و افرادی که نیازمند نیستند و کل بر جامعه هستند را باید تادیب نماید و جاسوسهای سری بر آنها بگمارد که دیگر تکدی نکنند و اگر تکرار شد آنها را بگیرد و تعزیر کند و تعزیر را در وقتی که تکدی تکرار شد ، تکرار نماید. باید کارهای مناسب برای آنها قرار دهد تا دست از این کارها بردارند. این بر عهده حاکم است یعنی اعراض و آبروی مردم از زن و مرد باید محفوظ باشد. بسیار این مسئله ، مسئله مهمی است و در خیلی از مواقع انسان افرادی را مشاهده میکند که تکدی میکنند و آبروی خویش را از بین میبرند و هیچ ابائی هم ندارند و افرادی را هم انسان میبیند که در نهایت عفت و حیا از دنیا میروند و پول ندارند به طبیب مراجعه کنند. این یکی از وظایف مهم حاکم است باعراض (1) مردم رسیدگی کند.

کلمات حضرات معصومین (ع) در مذمت سوال

تکدي مایه از دست رفتن شرف انساني و آبروریزی فردی و خانوادگی و اجتماعی است و یکی از رذیلتین حرفه هاست که افراد بسیار پست دست بآن مییازند از این جهت در آئین مقدس اسلام از این حرفه بشدت نکوهش شده تا آنجا که در نظر گروهی تحریم شده مگر فردی که اگر اظهار نکند جان او و فرزندانش به مخاطره میافتد و در این موقع اظهار حاجت آبرومندانه مانعی ندارد آنهم نه به شکل گدائی بر سر کوچه ها و ریختن آبروها.

آیاتی از قرآن مجید در شناخت نیازمندان

انفاق برای نیازمندی باشد که جاهلها از شدت تعفف آنها را غنی میپندارند اما آنها را از سیمایشان میشناسی. هرگز با اصرار از مردم چیزی نمیخواهند و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید خداوند از آن آگاه است .

مطالبي از معصومين (ع) در مذمت گدائي

- 1) ذلت در سوال از مردم است ((رسول خدا (ص)))
- 2) کسیکه خارج یكروز خود را داشته باشد و از مردم سوال نماید از اسراف کنندگانست ((امام صادق (ع)))
- 3) شهادت و گواهي کسیکه گدائي میکند از نظر اسلام مردود است ((پیامبر اکرم (ص)))
- 4) از مردم بي نیازباشید هر چند با خواستن چوب مسواك ((پیامبر اکرم (ص)))
- 5) خداوند گدایي سمج را دشمن میدارد ((نبي اکرم (ص)))
- 6) کسیکه خود را فقیر نشان دهد فقیر میشود ((پیامبر اکرم (ص)))
- 7) درخواست حاجت از مردم باعث ذلت و خواري در زندگي است و آبرو را میبرد و شخصیت انسان را خرد میکند و خود این کار يك فقر نقد است ((امام سجاد (ع)))
- 8) خداوند دوست نمیدارد که مردم با اصرار چیزی از یکدیگر بخواهند و دوست دارد که مردم احتیاجات خود را از او درخواست کنند ((امام باقر (ع)))
- 9) یا اباذر هرگز گدائي مکن زیرا گدائي ذلت است و فقري است که بسوي آن میشتابي و در روز قیامت حسابي طولاني دارد ((رسول اکرم (ص)))
- 10) شیعیان ما کسانی هستند که هرگز گدائي نمیکنند هر چند از گرسنگي بمیرند ((امام صادق (ع)))
- 11) کسی که حضرت امام جعفر صادق (ع) شرفیاب و بعد از اظهار ناراحتي میخواست اجازه درخواست کمک از مردم نماید حضرت با ملاحظه نیروي کارآئي مرد فرمود کار کن و با سرت بار ببر و از این طریق خود را

از سوال مردم بي نیاز نما ((بعقیده سائل پروران حضرت سائل را محروم کردند))

12) درخواست و تکدی از مردم گردنبدن ذلت است عزت شخص عزیز را از او گرفته و شرافت خانوادگی را از بین میبرد ((رسول خدا (ص))

13) کسیکه درب گدائی را بروی خویش باز کند خداوند 70 درب از نیازمندی را بروی او باز میکند که هیچ چیز نمیتواند کوچکترین آنرا به بندد ((نبی اکرم (ص))

14) خداوند امور مومن را به خودش واگذار کرده است جز اینکه خودش را ذلیل کند آیا غیبی که خداوند درین باره میفرماید عزت از آن خدا و رسول و مومنانست ((امام صادق (ع))

15) کسیکه بدون فقرگدائی کندمثل این است که شراب میخورد((امام صادق (ع))

16) هر کس گدائی کند و غذای 3 روز خود را داشته باشد خدایرا در حالی ملاقات خواهد کرد که در صورت خود گوشت ندارد ((رسول اکرم (ص))

17) کسیکه بدون نیاز گدائی کند خداوند او را محتاج واقعی مینماید و پس از مرگ جهنم را منزلگاه او قرار میدهد ((امام جعفر صادق (ع))

18) خداوند گدای حرفه ای اصرار کننده را که بمردم ناسزا بگوید دشمن میدارد ((رسول اکرم (ص))

19) حضرت سجاد (ع) در عرفات گروهی را دید که گدائی میکنند فرمود اینها بدترین مردمند.

20) عده ای از انصار خدمت پیامبر اکرم شرفیاب و عرض کردند یا رسول الله بهشت را برای ما ضمانت کن فرمود مشروط بر اینکه از احادی چیزی درخواست ننمائید قبول کردند و حضرت بهشت را بر آنها تضمین کرد.

و چنان بشرط خود پایبند بودند که اگر در حال سوار مرکب تازیانه از دست یکی از آنها میافتاد خودش برمیداشت دستورات و تاکیدات حضرات معصومین (ع) در مورد حسن عزت نفس و قبح و مذمت تکدی و سوال بسیار است که برای اختصار از درج آنها خودداری شد میبینیم که در قاموس اسلام واژه ای بنام تکدی وجود ندارد با وجود این صراحتها و نکوهشها از تکدی چطور ما بعنوان محروم نکردن سائل با این فرمایشات و بسیاری دیگر مخالفت کنیم.

تاکید اکید اسلام به تأمین نیاز درماندگان و تکلیف حسّاس و سنگین ما

مرحوم جبرالعلوم رضوان اللّٰه علیه به شیخ جواد فرمود که شنیدم در مورد فلانی که مجرمی زاهدی (خرمای ارزان قیمت) قانع شده و آنهم بدستش نمیرسد کوتاهی کرده ای عرض کرد آقا خدا قسم خبر نداشتم فرمود میدانم و اگر خبر داشتی و بی اعتنا بودی مسلمان نبود. وظیفه مردم بویژه این موسسه چقدر سنگین است که ارباب حاجت را از کسب روزی از راههای نامطلوب و منهی باز داریم و در محیط عفاف محصور نمائیم و خود از سرنوشت آنها بی خبر یا خدا نکرده سهل انگار و بی تفاوت باشیم که در این صورت بیقین گرفتار سوء عواقب آن خواهیم بود حضرت علی (ع) فرموده ننگ باد بر آنهاییکه شب سیر میخوابند و همسایه شان گرسنه است. اگر مردم شریف و خود این موسسه تمام ارباب نیاز را به این موسسه ارجاع و خود از مساعدت شانه خالی کنند در اشتباهند. حضرت علی (ع) میفرماید : کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه همه شما چوپانید و همگی از گله خود مسئول هستید موسسه هم هر چه میپردازد از کیسه فتوت مردم شریف و یا جوهری که بعضا بوسیله اعضا اهدا میشود میپردازد و بغیر از اهدا جزئی و عمده کانال دیگری موجود نیست هر چه مساعدت ما بیشتر رهائی گرفتاران افزونتر و سفره آنها رنگینتر خواهد بود و خدا به پندار و کردار ما دانااست .

اشکهای دیگران را با حفظ آبرو به نگاههای پر از شادی مبدل کردن
بزرگترین خوشبختی است .

خوشت جود و کرم در لباس شرم که بحر

مُحَاك فَيُضِخُ خُودَ از پرده سحاب دهد

غریبی به نزدیک حضرت علی (ع) آمد و خاموش نشست پریشانی فقر و ناداری بر پیشانی او ظاهر بود حضرت از او پرسید چه حاجت داری ؟ شرم داشت که بزبان بگوید بر زمین نوشت که مردی فقیرم حضرت امیر او را دو حله (1) عطا داد اعرابی یکی را عبا (2) ساخت و دیگری را شلوار درست (3) کرد حضرت را خیلی خوش آمد سه دینار دیگر که از حق حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در پیش ایشان بود آنها را نیز بوی داد اعرابی آنها را نیز گرفت و گفت ای امیرالمومنین مرا توانگرترین اهل بیت من گردانیدی حضرت گفت شنیدم از حضرت رسول (ص) که فرمودند (قیمه کل امر ما یحسنه) یعنی قیمت هرکس بقدر آن چیز است که

وی را میآراید (از محاسن افعال و بدایع اقوال)

در این رواق زبرجد نوشته اند بزر

که جز نکوئی اهل کرم نخواهد ماند

1- حله : جامه دراز که بدن را بپوشاند

2- ردا : روپوش لباسها

3- ازار : زیر جامه و فوطه

مسئولیت مسلمین در مقابل محرومین جامعه

هرکس شب را سحر کند و بامور مسلمین اهتمام نوزد مسلمان نیست حضرت رسول اکرم (ص)

اینهمه تاکید اسلام به عفاف و صبر و مقاومت در قبال تنگدستی ها و گرفتاریها و انواع محرومیت ها و بیماری ها و فشار زندگی و عیالمندي در تمام مراحل ، هجوم بلایا و آنچه که ما آنرا غصه و غم می نامیم که اسلام تمام پیروان خود را مکلف فرموده که پای از محدوده حفظ آبرو و حیثیت و عزت نفس و مناعت طبع خویش و خویشتن داری بیرون ننهد خدا نکرده تن به ذلت و سوال و آبروریزی ندهند و در مدت مدیدی که این خیریه به تبع احکام حکمت آمیز شرع انور مردم شریف را از تکدی و دامن زدن بآتش آبروریزی و سائل پروری برحذر داشته منظور بستن درهای ذلت و آبروریزی و گشودن ابواب کمکهای سري و آبرومندانان و خودکفائي ارباب نیاز است که خدای حکیم و مهربانی که در تمام ناملایمات و گیر و دارها امر به صبر و تحمل و حفظ عزت نفس فرموده باید توجه شود که دستور حفظ آبرو و عدم سوال و اظهار به شخص مستمند (مگر به صورت اظهار خصوصی و سري آبرومندانان) يك طرف سگه است طرف دیگر سگه اینست که اشخاصی که از مساعدتهای سري و آبرومندانان اقشار محروم و مستمند جامعه بویژه خویشان و همسایگان و نزدیکان غفلت ورزند و بی تفاوت باشند مورد مواخذه قرار میگیرند و از دیدگاه اسلام تا مرز نامسلمانی پیش میروند و آئینی که به شدت از سوال منع نموده و متعهدین به ترك هر نوع سوال را وعده بهشت داده چندین برابر فقرا که

توصیه به صبر و شکیبایی شده توانگران را در برابر رعایت حال محرومین اجتماع در تنگناهای مسئولیت قرار داده است که یکفرد مسلمان و هکذا جامعه مسلمین به ویژه این موسسه مجاز نیست که آنقدر خود را بگوش سنگینی و غفلت بزند که فقیر از تنگدستی و هجوم گرفتاریها و فشار زندگی بستوه آید و دست سوال و ذلت پیش این و آن باز کند بلکه وظیفه یکفرد مرفّه یا کسیکه متمکن نیست لکن لااقل دسترسی به انتقال خبر درماندگی ، شخص درمانده مضطر را به خیرین و متمکنین دارد این است که بررسی علی وار از خانواده های حاجتمندان آبرومند بنماید و از بیماری و فقر که در حال کمون است قبل از ظهور و بروز آن پیشگیری نماید . بطوریکه این موسسه از معتمدین و اصناف محل و سایرین درخواست نموده که اشخاص مضطر و دارای بیماریهای سخت و انواع گرفتاریها را با تنظیم فرم پرسشنامه باین خیریه معرفی نمایند تا با رسیدگیهای لازم در صورت استحقاق مورد مساعدت آبرومندان قرار گیرند و جالب توجه است که شارع مقدّس دست نیکوکاران را در بخشیدن رفاه در حدّ شئونات و ملاحظه سوابق زندگی فرد نیازمند بقدری باز گذاشته که انسان از این همه وسعت نظر اسلام واقعاً تعجب میکند و اعجب این است که ما مسئولیتهای بسیار مهم را نادیده بینگاریم و خود را از بدهی های حثّی واجب معاف کنیم (که شاید این غفلتها منشا اصلی مرگها و قتلها و بر باد رفتن آبروها و ناموسها و بیماریها و ناراحتیها گردد) و به مستحبات که بعضاً من درآورده بوده و جنبه تفنّی و خوشگذرانی دارد بچسبیم چه ما عادات و سلیق شخصی را به دستورات شرع ترجیح دهیم یا عیناً احکام را

احکام را الگو قرار دهیم بالاخره واجب واجب است و مستحب مستحب و اعمال و نیّات اثر وضعی خود را روزی بروز میدهند و هیچ حکمی واجب اینگونه بدل نمیپذیرد

در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند گر تو نمیپسندی تغییر ده قضا را
در تمام مراحل مذمت سائلپروری و میزان مسئولیت مسلمانان در
تأمین محرومین جامعه (بطور خودکفا نمودن آبرومندان) که مطالی
بعنوان درددل درج گردیده بهترین الگو دستورات شرع انور است که
حتّی جزئیترین مسائل بیان شده بهتر است همه ما تمام مسائل از جمله
مسئله آبروریزی یا کمک علی وار را که در هر زمانی مسئله روز است از
محضر علما متبحر و روشنگر دین بپرسیم و عمل کنیم.

مسئولیت توانگران در قبال نیازمندان عفیف

با اینکه شارع مقدّس در قرآن مجید و کلمات معصومین (ع) مسلمانان را به عفاف و شرم و عزّت نفس تاکید و نیازمندان را از سوال و تذلیل نفس برحذر داشته و آنها را در چهارچوب صبر و شکیبائی محصور نموده در حدّی که امام ششم (ع) فرموده شیعه ما هرگز سوال نمیکنند اگر چه از گرسنگی بمیرد و پیامبر اکرم (ص) مطلق اجتناب از سوال را وعده بهشت داده و هر کس بدون فقر سوال کند مثل این است که مشروب میخورد (امام جعفر صادق (ع)) آیا خداوند حکیم در تنگنا قرار دادن محرومین و حفظ عزّت نفس و وقار آنها قشر مرفّه و توانگر را مجال خود رها کرده و هیچگونه مسئولیتی را به آنها محوّل نکرده ؟ چرا قرآن مجید و فرمایشات معصومین (ع) و اولیا دین حاکی از سنگینی وظایف مسلمین در قبال درماندگان عفیف و خویشاندان است و هر چه نیازمندان را امر به صبر و شکیبائی فرموده ، وظایف توانگران را در رفع مشکلات آنها سنگینتر کرده

خدا گر ز حکمت به بندد دري به رحمت گشاید در دیگری

اگر توانمندان مجال پیرمردان و پیر زنان و خانواده های بچه دار با حفظ آبرو رسیدگی نکنند و خودکفا نمایند چه کسی جوابگوی نیازها و گرفتاریهای آنها خواهد بود ، با این محدودیت در تنگنای حفظ آبرو و حیثیت.

بودجه تامین نیازمندان

شارع مقدّس وجوهاتی از کانالهای وجوب و استحباب و انفاق و صدقه و غیر برای تامین فقرا معین فرموده و پیشوایان دینی ما که الگوی کردارهای نیکو و اجتناب از منکرات و زشتیها بودند در باب انفاق و بخشش و شرائط آن گوی سبقت از همگان ربوده و از لحاظ کمّی و کیفی در مقدّم جبهه قرار داشتند.

حضرت علی (ع) انفاق را چاره برای رفع تنگدستی دانسته و میفرماید هرگاه تنگدست شدید به صدقه دادن به مستمندان اقدام کنید.

در سوره مدثر آیه های 40 تا 48 آمده از گناهان پرسیده میشود چه چیز شما را بدوزخ کشاند میگویند از نمازگزاران و طعام دهندگان نبودیم و با افراد باطل در امور لغو غوطه ور بودیم الی آخر. در حدیث قدسی آمده ، خداوند میفرماید ای فرزند آدم مال مال من است و فقرا عیال من و توانگران وکلای من پس هر کس از مال من بعیال بخل ورزد در آتش داخل میکنم و ملاحظه نمیکنم (معارج الیقین فی اصول الدین صفحه 202)

در قرآن کریم سوره ماعون آمده کسی را که روز قیامت را تکذیب میکرد دیدی ؟ او کسی است که یتیم را از پیش میراند و به اطعام تمایل ندارد در آیه دیگر میفرماید هرگز بخوبی نمرسید مگر اینکه از آنچه که دوستش دارید در راه خدا انفاق کنید (تفکّر یک ساعت از عبادت هفتاد سال بهتر است) با توجه به بیانات قرآن کریم و معصومین (ع) در حفظ شئون و رفع گرفتاریهای درماندگان باید بیش از پیش بواجبات دینی از جمله ادای بدهیهای شرعی اهتمام ورزیم. (حالا عدم توجّه کلی به واجبات و

مستحبات که پناه بر خداست) باید توجه کنیم که مخاطب این همه آیات و روایات ما مسلمانان هستیم و ایام روزگار به سرعت باد میگذرند .

تحليلي از تكدّي

دست طمع كه پيش كسان ميكني بلند

پل بسته اي كه بگذري از آبروي خويش

در نتيجه گيري كه نويسنده كتاب دريوزگان از آمار گرفته زنان و مردان كمك كننده همگي بر اين عقیده بودند كه بايد تكدّي رخت بربندد بدرستي ملاحظه شد از صد نفر فقط 2/6 نفر بر ابقاي تكدّي بدین صورت راي دادند در مقابل سن ، متغيري موثر بحساب مي آمد همانطور كه دیدیم جوانترها همواره بر ریشه كن ساري تكدّي تاكيد مي كردند و حال آنكه با افزايش سنّ اين تاكيد رنگ ميباخت شايد از عوامل آن عادت كردن پیران باین پدیده است كه آنان بنوعي هنوائي دچار شده اند غرق در محیط پیرامون شده اند و جهات منفي آنرا نمي بینند اين گرایش نشان از کاهش كمك در سالهاي آتي دارد و خود ميتواند همچون اهرمي در راه احماء پدیده بكار آید در جدول شماره 6 صفحه 112 ، 90/8 % مردم كه موافق احماء تكدّي هستند خود بگدایان كمك ميکنند در صورتي كه كمك خود را هم ناپسند ميدانستند معلوم ميشود اين عمل يك بيماري رواني است كه مثل وسواس به آساني بهبود نميابد.

كنت دوگواينو در باب دیدگاه و نظر ایرانیان نسبت به پدیده تكدّي مینویسد در ایران مردم به گروه گدایان بدیده نفرت نگاه نمي کنند بلکه آنها را مورد محبت قرار ميدهند در روزهاي عيد و عزا گدایان تهران بقدري غذا و شيريني دريافت مينمايند كه اشراف و اعيان ما در عيدهاي بزرگ اروپائي آن اندازه از بستگان و خویشاوندان هدیه دريافت نميکنند

گداهائیکه برای تکدی اماکن مخصوص دارند صبح تا شام در آن نقاط می‌نشینند و در حقیقت از تمام اهل محلّ مستمرّی دارند با مطالعه کتب و اخذ تجارب و استماع عقاید قسمتی از مردم با این همه کاوشها و تحقیقات بنظر میرسد عامل عمده تشویق گدایان همان انگیزش است. انگیزش در پس پرده اقدامات پوچ و بی نتیجه سائل پروران قرار گرفته که شاید انتظار خیر دنیا و آخرت و اعتقاد به محروم نکردن سائل و باور (احسان بدست خود) و دلسوزی و ترحم بیجا بحالت ساختهای متکدیان و جلب رضای خدا بخاطر حفظ جان و مال و اولاد است. از مهمترین شاخصهای تکدی بیسوادی است و این بدان معنی است که فقط عدم سواد یا سطوح بسیار پایین آن از بارزترین عوامل تکدی است (1).

پیامدهای تکدی و راه چاره

موثرترین عامل رواج تکدی افزایش درآمد گدائی از طرف ساده لوحان و نتیجتاً عدم تمکین و رغبت افراد دریوز به کار مشروع و آبرومندانه است یعنی گدایان که بعضی از آنها بمقتضای مهارت و موقعیت روزی 15 الی 20 هزار تومان یا کمتر و بیشتر بنحو آسان و آزادانه درآمد دارند هرگز در مقابل درآمد آبرومندانه توام با زحمت و مسئولیت تسلیم نشده و گردن نمی نهند.

سائلی شی در روستایی میهمان بود گاو صاحبخانه از نان گدا مقداری خورد سائل به میزبان گفت تو با پذیرائی از من حقّی بگردن من داری فلذا بهتر است این گاو را بفروشی یا بخشی چون او از نان من گدا خورده دیگر کار نمیکند.

ساخت جامعه زمینه ساز کمیّت و کیفیت پدیده تکدی است به بیان بهتر تکدی در هر جامعه شکل خاص آن جامعه را بخود میگیرد بدون شناخت آن جامعه قابل تغییر یا تعطیل نیست میان تکدی و جامعه نوعی کنش و واکنش پدید میآید از جانی تکدی در جامعه پدید میآید و رشد و نضج مییابد از جانب دیگر پس از پیدائی خود بر جامعه تاثیر میگذارد از سوی دیگر بر پیدائی بسیاری از جرائم تاثیر گذار است تکدی بخوبی میتواند همچون پوششی در راه دزدی و فساد و اعتیاد و قاجاق موادّ مخدر بکار آید در مواردی آنطور که نقل شده است جاسوسی با تکدی در عمل قرین میشود. یکی از ابعاد مبارزه با تکدی پرداختن به تبلیغات است ایجاد تحول در دیدگاه اعتقادی و فرهنگی جامعه نیازمند تبلیغات

وسیع و گسترده و همه جانبه است می بایست دیدگاه فرد کمک کننده به متکدیان را که با دیدن چشمان رضایتمند آنان ارضاء درونی می یابد تغییر داد این تغییر کاری بس سخت است چرا که میبایست نگرشهای افراد را دگرگون و آنان را نسبت به مضرات مداوم این امر در جامعه آگاه ساخت تنها پس از آگاه سازی است که میتوان کمکهای افراد جامعه به متکدیان را در مسیرهای سازنده تری سوق داده هدایت نمود اینکه بر سر راه يك فرد چندین گدا در کنار کوچه نشینند و بهر حيله و نیرنگي سعی در جلب ترحم او نمایند هرگز درست نیست زیرا شغلي بنام تکدي پدید می آورد که بر بیکاري و تنبلي و آسودگي از کار دیگران متکي است امکان این هست که بسیاری بدان روی کنند و حال آنکه راههای دیگری دارند و برای توفیق از ابزاری چون فرزند و معلولیت کاذب سود جویند باید متکدي را بعنوان يك آسیب اجتماعي که لزوم بر خورد همه جانبه را میطلبد تلقي کرد.

نتایج سو سائل پروري

فقر و نڊاري بويژه در ممالك در حال توسعه اجتناب ناپذير است چاره چيست آيا بخش پول خرد و ترحم بيجا دردي را دوا ميکند ؟ يا به بيکاري و بيعاري و تنبلي و ولگري و فساد و اعتياد و رسوائي و آبروريزي و ترويج حرفه ننگين تکدي و مال اندوزي و ربا و سلب نيروي کار و بي غيروي مي انجامد و بر انگلهاي مفتخور جامعه ميفزايد آنانکه با خيال خام بعنوان محروم نکردن سائل آنهم در تبريز که درماندگان با کار و مستمري و کمکهاي جني بوسيله اين موسسه اداره ميشوند باز گدايان را تشويق ميکنند در مقابل فرمايش نبوي که گداي حرفههاي دشمن خداست يا هرکس بدون نياز تکدي کند مثل اين است که شراب ميخورد يا فرمايش حضرت صادق (ع) که هرکس با بخشش علي مومني را ذليل کند با خدا محاربه کرده است يا در موارد بسيار که شارع مقدس حرفه نامطلوب تکدي را مذموم دانسته ، چه فکر ميکنند ؟ حتي پيامبر گرامي کلا سوال را مردود دانسته و فرموده هر کس قول دهد در ادوار زندگي اصلا سوال نکند من بهشت را برايش ضمانت ميکنم و چون در سوال نوعي ذلت و خواري وجود دارد ولو هر نوع سوال باشد و دين اسلام ذلت را بر پيروان خود روا نداشته حضرت صادق (ع) فرموده خداوند در تمام امور زمام کار بدست مسلمانان داده مگر تذليل نفس را که خود را ذليل کند تفويض نکرده آيا در کتابي آمده است که معصوم (ع) بفرمايد سائل را نبايد محروم کرد اگر چه سائل حرفه اي باشد ؟ بعضيها ميگويند بهتر است هر کس بدست خود به مستحق بدهد ، اولاً حضرت علي (ع) فرموده کارهاي خير بهتر

است اجتماعي عمل شود ثانيا بدست خود دادن و خودکفا کردن
بهتر است ، نه پول خرد دادن و تلويحا مددجو را به هزاران فرد احاله
کردن .

مجازات قانوني تگدي

از نظر قانون طبق ماده 712 و 713 هر کس طفل صغير يا غير رشيد را وسيله تگدي قرار دهد يا افراڊي را باين کار بگمارد به سه ماه تا دو سال زندان و استرداد کليه اموالي که از طريق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد و تگدي و ولگري جرم عمومي و بدون نياز باعلام شکايت قابل تعقيب تلقی و مامورين نيروي انتظامي مکلف هستند بمحض مشاهده او را جلب و پس از تنظيم گزارش و تشکيل پرونده به مراجع قضائي معرفي نمايند .

اين موسسه نيز متکديان را بوسيله ميني بوس با (پلاکارد تبليغي بهمراه نيروي انتظامي و با اطلاع دادن مردم شريف بوسيله تلفن 2330808 جلب و پس از تحقيق ، توانمندان بوسيله کار و ناتوانان با مستمری تامين و اخاذان حقّه باز را تحويل قانون ميدهد .

صدقه تنها با پول خرد نیست

اساساً چرا مردم این ذهنیت را در خود ایجاد کرده اند که صدقه تنها پول خرد است بمحض اینکه صدقه ذکر میشود آنرا پول خرد تداعی میشود در صورتیکه حضرت علی امیرالمومنین (ع) در شهر ینبع نزدیکی مدینه منوره پس از سرازیر کردن چشمه و چاه مهم و پرارزش ابونیزر که میگویند اکنون هم در جریان است بلافاصله بدون خشک شدن عرق بدن مبارکش عین و منافع آنرا به مساکین مدینه بعنوان صدقه وقف نمودند و نوشتند این وقف را میکنم تا بین من و آتش جهنم حائل باشد و این وقف و شرائط آن درس آموزنده است به ما شیعیان !

تکدّی و حامیان ناآگاه آن

افراد روشنفکر که دارای عقل سالم و بینش دقیق و سنجش عمیق هستند به متکدیان و حامیان آنها بدیده حقارت و تنفر مینگرند مردان و زنان عامی بطرز صحیح اتفاق توجّه ندارند و احساساتشان بر فهم و عقلشان غلبه کرده و اتفاق را در دادن پول و گداپروری خلاصه کرده اند آنچه که بعنوان فرهنگ مردم ایران (که در مورد گداپروری آمده است) باید گفت فرهنگ ساده اندیشان و بهر تفصیل و کنجکاوی که در باز کردن مچ متکدیان بکار ببریم پخمی و سادگی و سهل انگاری سائل پروران بآن غلبه میکند و پارامتر انگیزش غیر از عوامل دیگر است. از همین انگیزش است که تحصیل کرده ها کمتر تحت تاثیر سبکهای پوسیده قرار میگیرند شخص موقع پول دادن بگدایان اظهار رضایت میکند و جهت ارضا انگیزه گام برمیدارد سائل پرور خود را نیکوکار و سائل خود را زیرک میپندارد و بخلاف بودن کار خود پی نبرده شبانه روز مردم را سرکیسه میکند.

موثرترین عامل رواج تکدّی افزایش درآمد متکدّی از طرف ناآگاهان و عدم رغبت او بکار یا کمک عادی و مشروع است اساسا گدایان هر زمانی بهر جایی میروند تخریب میکنند تمام گرفتاریهای این موسسه در مورد سائل پروری اشخاص ساده لوح معنی کردن گدائی حرفهای بعنوان سوال آبرومندانه است و بعقیده آنها نباید سائل را محروم کرد و این طرز فکر یکنوع وسواس و خیالات واهی است که افکار بیسوادان یا باسوادانی که طرز فکر منحط داشته و مطلّی از حقایق زندگی را درک نکرده اند را مشوب

کرده است که خود را زمینگیر و میخکوب اندیشه های مالیخولیائی کرده اند که به همه مطالب روشن و متقن و عقلائی بدین بوده لکن خرافات و منفی گرایی را دو دستی چسبیده اند

موضوع قاجاق مواد مخدر که گرفتاری بیشتر و جرم بیشتر از اعتیاد تا حد اعدام که بالاتر از آن نیست چون پولساز است ریشه کن نمیشود مسئله تکدی نیز با این همه تلاش پیگیر 32 ساله این موسسه در حالت چشمگیری افت کرده و برچیده شده لکن چون دست ناآگاهان بی تفاوت در کار است و ساده لوحانه با دلسوزی کاذب بانگیزه محروم نکردن سائل گدایان را به این عمل ننگین و شوم و چرکین تشویق و تحریک میکنند ریشه کنی تکدی را مشکل کرده (گدائی را بیشتر پولساز کرده اند) آنهاییکه محروم نکردن سائل را انگیزه آبروریزی میکنند چرا توجه نمیکنند منظور شرع انور از سائل گدای حرفهای نیست که دشمن خدا و در ردیف شراخواران قرار گرفته و اگر محروم نمیشود کرد چرا حضرات معصومین بکرات سائل را محروم و بقصد ارشاد و امر به معروف او را بکار ارجاع فرموده‌اند وانگهی دلسوزی و اهتمام سائلپرور در حد پول خرد است آیا اینها به گرفتارانی که سالهای سال با غیرت و شرافت در مکاسب گوناگون تلاش نموده حالا پیر و علیل و بی نان آور شده اند و عصا از دستشان افتاده و درآمدی ندارند چه اندیشیده اند چون آنها تکدی را بهترین راه چاره می دانند لابد میگویند بفلان چهارراه بیایند تا پول خردی بآنها بدهیم لکن آبرومندان بطوریکه امام ششم (ع) فرموده اند : از

گرسنگي مي ميرند ولي تن به ذلت و آبروريزي نمي دهند. اکنون که به
فضل الهي اين موسسه به تمام شئونات درماندگان شهر اشراف يافته و
بررسي و تامين ميکند چرا ساده اندیشان چوب لاي چرخ ميگذارند .
مرا ز سير چمن غم ترا نشاط رسد

تو خنده گل و من داغ لاله مي بينم

منظور اصلي اسلام وبه پيروي از آن هدف اين مؤسسه از بين بردن گدائيو آبروريزي و خشكاندن ريشه فقر است نه فقير تراشي

طبق آماریکه کتاب دريوزگان از متکديان تهران ارائه داده است درصد تکدي با افزايش سن فزوني ميگيرد شايد هم بمرور زمان و کسب تجربه درآمد متکدي بيشتر و به گدائي شيفته تر ميشود و در تمام جداول بيسوادي بيشتر عامل تکدي است جامعه متکديان که در ان حجم بيسوادان به پنج برابر ميرسد هرگز حجم سواد به بالاتر از دبیرستان ارتقا نمي يابد. در هين کتاب اظهار داشته در جدول مربوط مشاهده ميگردد پس از استان تهران استانهاي آذربايجانشرقي و خراسان به ترتيب بيشترين تعداد متکدي را به تهران فرستاده اند بطوريکه يك پنجم از متکديان از آنجاست (1) .

جاي ديگر نوشته خاستگاه گدايان - بديهي است هرکس دست بسوي ديگران دراز کند و از آنان کمک بلاعوض بخواهد و دردل خود را محق يا دست کم زيرک تلقی کند کار تکدي صورت خاص خواهد داشت برخورد با آنان نيز ضرورت ديگر مي يابد و حال آنکه اگر متکدي از کار خود شرمسار باشد و هر آن از کمک خواهي در برابر ديگران رنج ببرد به يقين عوامل مبارزه با تکدي وجود دارد بايد بکمک (نجات) متکدي شتافت در اينکه تکدي يا کمک کنندگان کداميك بر هديگر تقدم داشتند عقايد يکسان

1- شايد فعاليت اين موسسه موجب شده که گدايان متفرق شوند بطوريکه يکی از اعضا موسسه گدائي را در مشهد ديده بود متکدي گفته تبريز را ترک و به مشهد آمده ام مبدا به موسسه خبر دهی که مرا تعقيب کنند.

نیست آنچه مسلم است اینکه اگر کمک کننده ای وجود نداشت به یقین متکدی نیز نه پدید می آمد و نه به تبع آن پا میگرفت. این انسانها عادت کرده اند مانند پدرانشان با پرداخت مبلغی اندک به متکدی روز را آغاز کنند و دیدار متکدی و سپاس او را آرامبخش میدانند و خود را به هنگام کمک در پایگاه بزرگترها میبینند (1).

سواد در خانواده منشا متکدیان مخصوصا در بین مادران آنان به پائینترین سطوح خود میرسد و در بالاتر از 97 % بیسوادی تجلی میکند تکدی بعنوان پدیده ای که هم بر سرنوشت فرد اثر میگذارد. هم بر کل جامعه پدیده ایست اجتماعی با زمینه و ابعادی بسیار که تکدی بر کل فرهنگ اثر میگذارد همانطور که خود ناشی و منبعث از فرهنگ است بدرستی میتوان گفت از روزه تکدی میتوان فرهنگی را شناخت و مورد ارزیابی قرار داد تکدی از این روزه بمانند يك سبیل یا نماد و یا بهتر شاخص نماد عمل میکند.

اگر يك نفر پیدا شود و بگوید کمکهایی آبرومندانه و علی وار این خیریه معقول و مشروع نیست ؟ و فقط گداپروری که موجب محرومیت قشر آبرومند و عقیف جامعه است بهتر است مسلما عناد میکند و در اشتباه است و بیراهه میرود پس این گداپروری یکنوع بیماری روحی روانی است که خداوند بدست قدرت خود شفا دهد و این بیماری خوره را که عقل و فهم را میخورد درمان فرماید .

گدا طبع تنگ نظر هر قدر ثروتمند شود خوي گدائي و
پست فطرتي را از دست نخواهد داد

دختری دریوزه گر را که صباحی داشت پادشاهی بزنی گرفت دختر با
همه ابرام شاه با او بطعام نمینشست شاه تجسس را شی پشت در نهان
شد و از روزن بوئاق دختر چشم بدوخت آنگاه که خدمتگزاران خوان
گسترده برفتند دختر از خورشهای گوناگون زله ها (1) بست و هر يك را
در گوشه ای نهاد سپس برسم گدایان در برابر هر يك ایستاد و زبان سوال
گشاده میگفت خدای را باجی خیرم ده و آنگاه از هریك لقمه ای برداشته و
پس از دعا و ثنا بر صاحب خیر و دست دهنده تناول میکرد.

تکدي در روستاها

در اطراف استان دهی است که حتّی پیشه وران آنها به تکّدي میروند و
اگر نتوانند مردم به او دختر نمیدهند.

سابقه بیمه 1400 سال پیش

سائل نابینائی می گذشت حضرت علی (ع) فرمودند ما هذا یعنی این چیست فرمودند این کیست منظورشان تعجب از تکدی در جامعه اسلامی بود عرض کردند يك تجار مسیحی است حضرت فرمود استعملتموه شبابا و اذا كبر و عجز منعتموه بهنگام جوانی از او بهره کشی کردید و چون پیر و عاجز شد او را ترك و رها کرده اید؟ بپرید و از بیت المال وجه معیشت او را پردازید از سیاق حدیث معلوم است تا آخر عمر بیمه کرد . چون شگرد معصومین (ع) نبود که کار ناقص انجام دهند و پول خرد بدهند حالا طرفداران تکدی و آبروریزی که میخواهند دنیائی را در مذلت و خفت و شرم ببینند شاید بگویند حضرت علی (ع) هم سائل را محروم کرد بهتر بود نقدا باو لااقل يك درهم میداد و باصطلاح قال قضیه را میکند هم خود آسوده میشد و هم سائل را رنج نمیبرد وقتی اینگونه افکار پیش برود آیا جامعه آشفتهای خواهیم داشت ؟ حدود 32 سال است که این موسسه با تحقیقات لازم و دقت نظر کافی از درماندگان حمایت میکند و صدها زخم بزرگ و کوچک را پانسمان و به عزت و شرف فردی و اجتماعی راهنمایی کرده و در حال حاضر نیازمندان حقیقی که با ضوابط موسسه موافقت کرده اند از کمکهایی همه جانبه بهره مند شده اند ولی گدایان زیاده طلب فسادگر حقه باز و هواداران آنها از شنیدن اسم خیریه حمایت مستمندان فرار میکنند.

خوش بود گر محك تجربه آید بمیان

تا سیه روی شود هر که دروغش باشد

ساده لوحان ناآگاه از اقدامات خداجویانه و مبتکرانه موسسه ناراحت هستند و از محرومیت يك عده مال اندوز بي آبرو و معتاد عذاب میکشند اگر بیماران جسمي و رواني با وضعيت مضرّ و مسري در كوچه و بازار پرسه زنند و از دوا و آمپول و عمل جراحي كه علاج قطعي (نه مسكن است) هراس دارند اينها اگر به منظور علاج قطعي تعقيب و اجبار بمعالجه يا ترك اذيت مردم به مرجع صلاحيتدار راهنمائي شوند بطوريكه در خصوص هزاران فرد و خانواده اعمال شده كه نتيجتاً شهر تبريز به (شهر بدون گدا) شهرت يافته و نیازمندان بزندگي شرافتمندانه ادامه ميدهند اگر عده اي دامن همت به كمر زده و با ريخت و پاشها و ضايعات مواد يك توليد عظيم شگفت انگيز عرضه دارند مثل عملکرد اين موسسه كه (با پولهاي خرد كه زماني فساد و ربا و ننگ و عار را به بار مي آورد) اكنون افتخار و شرف و آبرو و رفاه بارمغان آورده عوض تشويق و دعا چرا يك عده مخصوص دائماً نق مي زنند ؟

اگر ببيني كه نابينا و چاه است

اگر خاموش بنشيني گناه است

فاعتبروا يا اولوالالباب

بدعتها و خرافات

با زدوده شدن بدعتها و خرافات از چهره تابناك و شفاف اسلام عزيز كه با چركها و آلودگيهاي رسوم و آداب سليقه اي من درآورده چركين شده و كريبه مينمايد اسلام اصيل چنانچه هست خود را مي نماياند چون اشخاص ساده لوح ظاهر بين چه اسلامي چه غير اسلامي از ماهيت هر پديده و هر آئيني فقط ظاهر آنرا ديده و از روي آن قضاوت ميكنند فلذا عوام الناس در اغلب امكنه و ازمنه با آلوده و چركين نمودن صورت و قيافه تابناك اسلام سد و حائلي در مقابل شناختن و درك حقيقت اسلام اصيل بوده و هستند خرافات مثل رطوبت بطور نامحسوس به زير بناي دين ميخزد و خودش از آب كمتر نيست مثل داخل شدن به آب در ماه مبارك كه بدون اشكال و نشستن در محل رطوبي كراهت دارد. انگليسيها مثلي دارند كه شما از پنيها (پول خردها) نگهداري كنيد پوندها (پولهاي درشت) از خود محافظت ميكنند احكام و واجبات و حرامهاي اسلام آنقدر متين و متقن و مطابق عقل و فطرت هستند كه بمانند سدّ سديد خود را محافظت ميكنند ولي بدعتها و خرافات بنام اعمال حسنه اگر قدم بميدان نهند اي بسا واجبات و محرمات دين را بازپس زنند و مردم در تشخيص آنها هاج(1) و واج(2) بمانند سائل پروري هم چيزي در اين مقوله است كه اصل انفاق و صدقه را مغشوش مينمايد مهمّ اين است كه اين همه مطالب در موضوع حسن كمكهاي آبرومندانه در حدّ خودكفائي و قبح سائل پروري و تنبل

1- هاج - حيران و سرگشته

2- واج - كلام و سخن

نوازي درج و بعنوان درددل عنوان و مطرح گردیده نهایتاً بهترین الگو و مرجع همانا براي ما دستورات شرع مبین اسلام است که حتّی جزئی ترین مسائل شرعي را هم صریحاً بیان نموده ما (موسسه خیریه) هم بعنوان ریزخوار آن سفره گسترده هستیم. مردم شریف در کیفیت تکدّي اگر تردید دارند براي روشن شدن حقیقت میتوانند از آفتاب درخشان شرع روشني بگیرند چون رفتار و کردار سلیقه اي و من درآورده ره بجائي نمیرد و جز تخریب و خسران و زیانکاری نتیجه اي ندارد و مردم ساده لوح و ظاهرین فقط افراد آبروریز و متظاهر به فقررا مظهر بیچارگی و نیاز میدانند ولي قرآن مجید میفرماید عفت و آبرومندي و عزت نفس که از توانگران تمیز داده نشود ملاک فقر و استحقاق بوده و مستوجب حمایت است. از خوانندگان این نشریه جداً استدعا میشود که اگر با خواندن این درد دلها از شئومت و زشتي گدائي و تشویق آن آگاه شوند که فبها المراد و در صورت تردید از مراجع شرع و عقلا و علما یاد بگیرند چون مسئله حسّاس و پای آبروي جامعه و افراد آن در میان است و سرنوشت عدّه کثیری از درماندگان شریف که میمیرند اما دست تکدّي باز نمیکنند و سائل پروران تلویحاً آنها را بین عفت و صبر و تحمل گرفتاریهاي غیر قابل تحمل ، و تکدّي مخیر میکنند این همه اوقات گرانبها که به رسانه هاي گروهی و مشغولیتهای دیگر صرف میشود اگر دقایقی صرف این امر مهمّ شود قضیه حل میشود.

علّت اصلي سائل پروري

حقيقت اين است كه در شهري كه بوسيله اين موسسه و ديگران ، درماندگان ، آبرومندانۀ تامين ميشوند چه انگيزه و ضرورت و چه عاملي موجب سائل پروري و آبروريزي است ؟ اين موسسه سي و دو سال است كه توصيه به عدم تحريك و تشويق سائلين حرفهاي ميكند جنبه انحصارطلاي ندارد كه اشخاص راساً به درماندگان مساعدت نكنند بلكه منظور اين است كه در انجام كمك عفت و آبروي فردي و اجتماعي لحاظ گردد و الاً اگر يك يا چند نفر مشكل فرد يا افرادي را آبرومندانۀ و با حفظ اسرار حل كنند كه امكاناً دوباره كاري و كشانده شدن مددجو به سودجوئي و مراجعه بديگران كه منجر به سوال شود انجام نيابد چه اشكالي دارد . قرآن مجيد هم طرز دستگيري از مستمندان را بيان فرموده است : كسانيكه در راه خدا بازداشت شدهاند و توانائي ندارند كه در زمين حركت كنند و شخص نادان ، ميپندارد كه ايشان بي نيازانند نيازمندان را از چهره هاشان ميشناسي و هرگز با اصرار از مردم چيزي نميخواهند و اگر چيزي از مال خود انفاق كنيد خدا به آن آگاه است (اين آيه خود صراحت به مذموم بودن تكدي دارد) .

ترفندهای گدایان در عصر حاضر

1) گدای نابینایی که در کنار خواربار فروش محل برای گدائی مینشست و با او انس گرفته بود روزی پسر متکدی به آن مغازه دار گفت شما دوست پدر منید و از شما حرف شنوی دارد او میخواهد مرا کور کند بطوریکه روزی به من حمله کرد و خواست انگشتانش را توی چشمهای من فرو برد و آنها را از کاسه بیرون آورد که من فرار کردم حالا هم از تصمیمش منصرف نشده از او بخواه که دست از سر من بردارد خواربارفروش مسئله را با گدای نابینا در میان گذاشت گدا گفت خاک بر سرش برود و تا آخر عمر کار کند و جان بکند تا لقمه نانی بکف آورد من میخواستم با از دست دادن چشمهایش عمری کار نکند و نان بخورد .
طبيب بيمروٲ خلق را رنجور ميخواهد

گدای سنگدل چشم پسر را کور میخواهد(1)

از گونه شناسی بیهقی در قرن چهارم ، گدائی که مشعب نام داشت حيله اي بكار ميبرد تا بچه او هنگام تولد زمینگیر یا نابینا شود و آن کودک را وسیله گدائی قرار میداد یا کودک خود را بدیگری کرایه میداد .
2) اواخر بهمن 82 طرفهای غروب موقع جلسه ، زنی به نگهبانی موسسه آمد یکی از اعضا موسسه گفت شوهرم فوت کرده پول بدهید دفنش کنیم جواب این بود که شما آدرس بدهید تا ما بیائیم و مراسم دفن را بجا آوریم زن گفته بود که هنوز نمرده است.

3) دوستی میگفت دو زن در حال گریه به محل کار من آمدند یکی از آنها

اظهار کرد دختری دارم که حامله است و برای عمل سزارین او 400 هزار تومان مطالبه میکنند ولی من پول ندارم بلافاصله آنها را به بیمارستان مربوطه معرفی و قرار شد بستری نمایند لکن پس از چند روز که از بیمارستان صورت حساب خواستم گفتند به ما مراجعه نکرده.

4) خلاصه ای از روزنامه همشهری 5 اسفند 82 (3318) ((گدائیکه شبها با آژانس بخانه می‌رود)) پیرزنی معروف به سیده خام(1) از 8 صبح تا 11 شب گدائی میکند هر چه لباس دستش رسیده رویهم تن کرده میان کلماتش تنها کلمات رکیک مفهوم میشود آژانسها مایل به سوار کردن او نیستند چون بو میدهد ... بد دهن است و با بددهنی گدائی دیگر را از خیابان سلطانی رانده است مغازه دارها میگویند هم چهره محله را زشت میکند و هم در کار و کاسی ما اثر میگذارد ولی ما نمی‌توانیم با او دربیفتیم شاید تصوّر از گدائی نداشته و فقر نباشد بلکه تنها استعدادیست که میتواند شخص را بنوعی گردنه گری ملتمسانه وا دارد .

5) (2) میگویند گدائی نزد عباس دوسی که از گدایان مشهور عرب بود و در گدائی ضرب المثل ، آمد که مرا در گدائی تعلیم ده که چون بآن عمل کنم از فقر و فاقه خلاص شوم گفت پنجه ای از کاغذ بساز و بر سینه خود بچسبان و 40 روز در آفتاب ، برهنه تن سیر کن تا بدنت از آفتاب سیاه شود بعد از آن به روستای جمعی از ابلهان درآی و در مسجد ایشان سه شب احیا کن و در شب چهارم و وقت سحر فریاد کش که حضرت خضر

1- نفرین بر کسانی که این انگلهای اجتماع را همنام سادات شریف نموده اند.

2- صفحه 51 در یوزگان

(ع) را دیدم و او مرا نظر کرد و دست مبارك به سینه من نهاد و چون مردم نزد تو آیند و آن نشانه پنجه بر سینه تو ببینند مرید تو شوند و خدمتها بکنند او آن حیلت بجا آورد و يك ده را مرید خود کرد مقصود او به حصول پیوست و از جفای فقر و فاقه باز رست.

کودکان اجارهاي در آغوش گدايان چلاق باشند گرانترند .

دخترک بيچاره سر به بالين زني که او را از مادر به کرايه برده خوابيده است. بازي ، تفريح ، شور و نشاط در دنياي دخترک مفهومي ندارد ، در قاموس او خواب بهترين معنا است ؛ خوابي که به ميل خودش نيست و تنها اجباري به واسطه حبه اي ترياک که تمام صبحانه اش بوده بر او تحميل شده است. زنک به سخي لب به سخن ميگشايد ، بايد يك ساعتي سریش شوي و عجز و ناله کنی که : ((باور کن مامور دولت نيستم ، خبرنگار هم نيستم ، دانشجويي هستم که تکليف استاد را بجا مي آورم)) همه اينها را بايد چندين و چند بار برايش تکرار کنی و گوشه اسکناس سبز را نشانش دهی تا سخي گوید :

((بچه من نيست.من اصلا ازدواج نکرده ام که بچه داشته باشم. تنها من نيستم ، دختران زيادي هستند که مثل من کارشان گدايي است و بچه هايي که در آغوش دارند ، کرايه اي هستند. در ميان ما برخي زنان شغلشان فقط زايمان است و کرايه دادن بچه. تازه اگر بچه شل و چلاق باشد قيمتش خيلي بالاست.))

مخواب دلبندم ، آسوده خواب. زنک گويي که يخش آب شده آسوده تر سخن ميگويد : ((چه فرقي دارد؟ ما هم اين گونه کار ميکنيم ، ما هم کارفرما داريم ، ساعت کار داريم هر چه بيشتر از مردم پول بگيريم درصد بيشتر عايدمان ميشود. تازه کار ما هم سخت است ، تابستانها جلوي آفتاب

مینشینیم و زمستانها سرما را به جان میخریم. دنیای ما هم این گونه است و ما هم دنیایمان را دوست داریم.))

تکدیگری در ایران پدیده ای نوین و نو ظهور نیست. پدیده ای است که به تاریخ این مرز و بوم قدمت دارد. چنانکه دکتر مجید ابهری ، آسیب شناس اجتماعی ضمن تایید حرفهای فوق میگوید : ((پدیده تکدی گری در ایران پدیده نوینی نیست. منتها به دلایل اجتماعی و سیاسی فراز و نشیبهای رشد و ضعف را پیموده است.)) وی معتقد است : ((در تهران گدایی تابع قواعد ، ضوابط و انضباط خاص خودش است. گدایان حوزه و محدوده جغرافیایی دارند و خود مافیا به حساب می آیند. در بین خودشان به ((گ.ت.ت)) معروفند ، یعنی گدایان تهران و توابع. گروه بندی و حوزه جغرافیایی دارند ، سرویس حمل و نقل دارند ، گدایان استیجاری و گدایان ثابت دارند ، صبحها با وانتهای مخصوصی در محل حوزه هاشان پخش میشوند. در ساعتهای مختلفی از روز چند موتور سوار به آنها سرکشی کرده و پولهایشان را جمع آوری میکنند تا اگر ماموران شهرداری یا جای دیگر آنها را دستگیر کردند ، پولها هدر نرود. اینها گدایان پورسانی هستند.))

دکتر ابهری با اشاره به اینکه بعد از 14 سال کار میدانی هنوز نتوانسته هیات رئیسه این گدایان پورسانی را شناسایی کند ، میگوید: ((بچه هایی که در آغوش زنان هستند اغلب بچه های استیجاری هستند. این بچه ها قیمت خاصی دارند ، اگر چلاق باشند نرخشان بالاست ، اگر شل باشند نرخشان بالاتر است و اگر شل و چلاق باشند گنج محسوب میشوند. يك

عده از خانها فقط مسئولیت زایمان دارند و 14 الی 15 بچه به دنیا میآورند و کرایه میدهند ، حتی متوسل به کارهایی میشوند که بچه چلاق به دنیا بیاید تا پول بیشتری برای اجاره اش بگیرند. 75 الی 89 درصد از این بچه ها از نوزادی معتادند. یعنی يك بچه گدا در گرمای تابستان و در سرمای زمستان صبح تا غروب خواب است چرا که صبح يك حب تریاک یا شیر در گلویش می اندازند.))

آنهايي که در اطراف میدان آزادی هستند راحت تر صحبت میکنند. زن جواني که آسوده بر آسفالت پیاده رو نشسته و همانند آن دیگری بچه اي را در کنارش نشانده و کودک دیگری پستان به دهن و همانند آن، به خوابي عمیق فرو رفته است ، میگوید : ((کارهاي دیگری چون واسطه گري مواد مخدر و شب خوابي در خانه دیگران را نیز بر عهده دارد.))
وقتي از او میپرسیم که دلت به حال بچه نمیسوزد؟ او که گناهي ندارد. میگوید : ((مگر من بچه بودم ، چگونه بودم؟ کار ما هم این است و او باید از همین الان عادت کند.))

دکتر مجید ابهری که در حال حاضر گاهی به نیروهاي پلیس آموزش میدهد ، میگوید : ((در بین گدایان ، آدمهایی هستند که ناقل امراض پوستي ، جنسي و عامل ویروس محسوب میشوند. عده اي عامل پخش مواد مخدر و عده اي عامل فحشا هستند. برخی از این گداها در پوشش کار کاذب گدایی میکنند. آدامس ، فال ، چسب و دعا میفروشند یا اسفند دود میکنند. اینها هر کدام ترمونولوژی خاص خودشان را دارند. گدایان ثابت اغلب اهل شهرهایی هستند که با بلایاي طبیعی مانند خشکسالي مواجه شده اند.))

وي با اشاره به علهاي تمرکز گدايان در شهر تهران به موضوعات جديدي از قبيل وجود آموزش و گريم براي گدايان اشاره کرده و تاکيد میکند : ((درهاي در تهران مرکز گريم گدايان است. اينها گريمورهاي ماهري دارند که اصلا خود انسان باور میکند که خود اين گدا کور است. حتي زخم درست میکنند. جالب اينکه اينها دانشکده آموزش گدايي دارند و در آنجا ياد ميدهند که چگونه دستشان را بلرزانند ، چطور بشلند و چطور آه و ناله کنند و با تکنیکهاي روز گدايي آشنایشان میکنند و اخيرا هم شنیده ام در صدد تهيه سايت گدايي براي خودشان هستند تا گدايان بتوانند با گدايان دنيا تبادل اطلاعات کنند.))

مرد با يك عكس راديولوژي جلوي هر رهگذري سبز ميشود با عجز و ناله درخواست کمک براي همسر بيمارش دارد. با اين تيپ آدمها سخن گفتن بسيار سخت است. پشت بند هر سوالي آه و ناله اي که کم ميماند باورتان شود واقعا محتاج است ، اما واقعيت چيز ديگري است چرا که درآمد روزانه او بيش از هزينه عكس و نسخه و ويزيت است و اين همگردي تازه و موثر از سوي اين افراد است.

گدايان ثابت و گدايان فصلي ، مجثي است که پژوهشها و تحقيقات زيادي را به خود اختصاص داده است. اين امر که گدايان ثابت چه تفاوتي با گدايان فصلي دارند و اصلا اينها نشات گرفته از کجا هستند خود جاي بسي تامل دارد. دکتر ابھري در اين مورد چنين توضيح ميدهد : ((در تهران ما با گدايان فصلي و ثابت مواجه هستيم که تابستان در شمال، پاييز

در مشهد ، نوروز در شیراز و اصفهان و زمستان در تهران هستند. برخی از اینها سمت بانکداری را برای گدایان دارند ، گدایان پولهایشان را در بانک نمیگذارند و به آنها میدهند و برخی دیگر پول را به سکه و دلار تبدیل میکنند. برخی از گدایان دو جور خانه دارند ، یکی خانه حرفه ای شان و یکی هم خانه واقعی شان است و حتی برخی شان اتوبوس و تاکسی هم دارند.))

گدایانی هستند که با مراجعه به در منازل طلب استمداد میکنند ، اما واقعیت چیز دیگری است. آنها عمدتاً به شناسایی خانه های خالی اقدام میکنند تا در صورت اطمینان از خالی بودن منزل با اطلاع دادن به دار و دسته خود پیش زمینه های سرقت را فراهم آورند.

گدایانی که به واسطه فروش اجناس به تکدیگری روی آورده اند بسیار زیرک تر از بقیه هستند و در مقابل هر سوالی جوابی در خور دارند. به عنوان مثال پیرزنی که مشغول فروش چسبهای زخم است حاضر میشود در قبال خرید همه چسبها به سوالاتشان پاسخ دهد.

خانواده 5 نفری در میدان توحید تهران گدایی را پیشه خود کرده اند. شوهرش از همان هایی است که عکس رادیولوژی در دست به پیشواز هر عابری میرود. دو دخترش با کرایه کردن کودکان خردسال به گدایی مشغولند و تنها پسرش آدامس میفروشد. جزو گدایان پورسانتی هستند و میگویند : ((معلوم نمیشود چقدر به ما میدهند ، هر چقدر بیشتر کار کنیم ، بیشتر میگیریم.))

وقتی میپرسید چرا برای خودتان کار نمی کنید تا همه در آمدتان مال

خودتان باشد؟ میگوید : ((ما از اول این گونه کار کرده ایم یعنی پدر و مادر و برادرها و خواهران من هم به این شیوه کار کرده اند ، ما نمیتوانیم از گروهان جدا شویم و جدایی از گروه حکم مرگ را برایمان دارد. تازه اگر از گروه جدا شویم دیگر اجازه نداریم در حوزه هایی که درآمدش زیاد است کار کنیم. اگر هم غریبه ای به حوزه ما وارد شود ابتدا خود اقدام به راندنش میکنیم و اگر موفق نشدیم به افراد گروهان اطلاع میدهیم تا دکشان کنند. هیچ غریبه ای نمیتواند وارد حوزه کاری ما شود.)) وقتی از او سوال کنید که راست است که شما آموزش می بینید و گرم میشوید ؟ فقط میگوید : ((در این موارد سوال نکنید ، تازه اینهایی را هم که گفتم زیادی بود.))

از اینکه دخترانت ، نوزادان را کرایه کرده و آنها را عامل درآمد خود میکنند چطور؟ ((نه چرا ناراحت شوم ، مگر دختران من لای پر قو بزرگ شدند که آنها را باید لای پر قو بزرگ کرد.)) پس دخترانت معتاد هستند ؟ ((چه کسی این را گفته؟)) آخر شنیده ام هر نوزادی که کرایه داده میشود صبحانه اش حبهای تریاک است. ((خب ، باشد.)) مگر دختران تو تریاک نمیخورند؟ ((نه ، آنها وقتی ده سالشان شد ، خودشان شروع به گدایی کردند.)) بیش از این جوابم را نمیدهد. سراغ دخترش را میگیرم تا با او صحبت کنم اما نم پس نمیدهد. در همان حین پسرش را نشام میدهد که آن سوي چهارراه مشغول فروش آدامس است. سلام. ((آدامس میخواي؟)) نه ، میخواهم باهات حرفم بزنم. ((چه حرفي؟)) فقط چند تا سوال. ((نه.)) مادرش سفارش میکند که جوابم دهد. اسمش علي است ، 12 سال دارد و

اصلا درس نخوانده. به زندگي بچه هايي كه درون ماشينهاي آنچناني هستند حسرت ميخورد و ميگويد : ((چاره اي ندارم بايد كار كنم.)) دوست دارد وقتي بزرگ ميشود ، ديگر گدايي نكند.

آن سوتر دختری دیگر با دختری در آغوش ، سرنوشتي را به انتظار ميكشد كه خود نميداند و نميخواهد. دخترک بيچاره قرباني ندانم كاريهاي من و توست. او هيچ اراده اي براي تعيين مسير زندگيش ندارد و ناچار هميشه بايد بخوابد تا وقتي بزرگ شد دو راهي زندگي اش را نه خود كه برايش تعيين كنند. او يا بايد گدايي را پيش گيرد يا مادر فرزندان استيجاري اش شود. او از زندگي دو چيز را هميشه به ياد خواهد داشت ; دستي كه هميشه مقابل مردم دراز باشد و زاد و ولدي پر تعداد.

اظهارات يك عضو افتخاري اين موسسه

روز چهارشنبه 83/2/16 ساعت 18/30 که جهت شرکت در جلسه موسسه بدفتر آمدم بمحض ورود به حیاط دختر جوان نسبتاً شیک پوش در حال ناراحتی که معلوم بود نهایت دلهره را دارد وارد حیاط خیره شد و از نگهبان خواست که فردی را برای شنیدن اظهاراتش معرفی نماید نگهبان مرا نشان داد که چه فرمایشی داری باو بگو ، دختر پیش آمد و در حال گریه گفت من دانشجو هستم شوهرم که تهرانی است او هم دانشجو است برای تعقیب پایان نامه به تبریز آمدم متأسفانه شوهرم سخت مریض شد و به اورژانس بیمارستان شمس بردیم دکتر گفت در نتیجه پارگی رگ قلبش باید سریعاً عمل شود که هشتصد هزار تومان هزینه آن است من او را به دفتر معاون موسسه هدایت کردم گفتم بروید دفتر منهم میایم ناراحت نباشید رسیدگی میشود ایشان بدفتر رفتند منهم دو سه دقیقه بعد وارد اطاق شدم شنیدم همان اظهارات قبلی را تکرار میکند و میگوید من با فروش طلاجات و زر و زیور خود ششصد هزار تومان تهیه کرده ام دویست هزار تومان ناقص دارد که جان شوهرم نجات یابد وضع دختر طوری بود که هر بیننده را متأثر میکرد ما بلافاصله دست بکار شدیم که یکنفر را جهت پذیرش و عمل و سایر مقدمات به بیمارستان شمس گسیل سازیم منهم تلفن را برداشتم که به آقای ... ماهرترین پزشک جراحی قلب تبریز زنگ بزنم که همکاری فرموده و ایشانرا در عمل جراحی قلب کمک نمایند و به ایشان گفتم که ما ترتیب کار را میدهم و هر چه ناقص داشتید یا تخفیف میگیریم یا خودمان به بیمارستان

میپردازیم در این موقع دختر با سرعت جلو دهانش را با دستش گرفت و گفت دستشویی کجاست ؟ دستشویی حیاط را نشان دادیم با سرعت رفت از اطاق نگاه میکردیم نگهبان دستشویی را نشان داد ولی خانم مددجو با سرعت به بیرون رفت ما به معاون خیره گفتیم که او به جای دستشویی به بیرون رفت معاون فوراً به بیرون رفت که علت بیرون رفتنش را کشف کند که نگهبان میگوید که در این جا موبایلش زنگ زد و او فوراً به بیرون رفت معاون موسسه میگوید رفتم بیرون پیکان قهوه ای رنگ آمد و سوار شد و رفتند گویا در اطاق که با ما صحبت میکرد موبایلش قبل از زنگ ویریه نمود او از لرزش موبایل که گویا خاموش نکرده بود متوجه میشود که اگر زنگ بزند نقشه خنثی خواهد شد فوراً دستشویی را بهانه کرده به بیرون میرود چون میبیند که یک اشتباه خاموش نکردن موبایل نقشه اش را خراب کرده فرار میکند غافل از اینکه او به قصد دریافت دویست هزار تومان بقیه نقشه کشی کرده بوده در دفتر میبیند که پول نقدی در کار نیست لذا زنگ موبایل هم خطاری برای فرار بود که عملی نمود.

حال سوال ما از مدعیان (مروم نکردن سائل یا منجر نکردنش) این است که در مورد این سائل به ظاهر آبرومند یا سائل زنجانی مسجد حاج احمد که در صفحه 53 درج شده اظهار عیالمندی و بیچیزی و تهدید به خودکشی میکرد که با رویت شناسنامه اش مجرد از آب درآمد و فقط از یک جیب بغلش که معلوم میشد یکصد اسکناس هزار تومانی درآمد یا زنی که هزینه کفن و دفن شوهرش را مطالبه میکرد وقتی شنیده بود آدرس بدهید بیائیم اقدام به کفن و دفن نمائیم گفته بود هنوز فوت نشده

آیا در اینگونه موارد که مکرراً بطور روزمره پیش میاید تکلیف شرعی و عقلی يك فرد مسلمان چیست اگر بدون تحقیق و بررسی كل هزینه کفن و دفن یا عمل جراحی را به پردازد مشمول گول خوردن و نیرنگ زدگی کلي میشود اگر با پول خرد از سر خود رد کند که (نباید سائل را محروم کرد) هم درد و نیاز مستمند را دوا نمیکند و هم موجب نگرانی يك فرد مسلمان واقعي میشود که بالاخره آن دفن و آن عمل جراحی عملی شد یا در حالت بلاتکلیفی ماندند یا منجر به آبروریزی یکفرد بظاهر آبرومند میشود مگر نه این است که فردی که به او اظهار نیاز شده خود یا با همکاری آبرومندانه چند نفر زخم او را به بندند و پانسمان کنند یا به موسسه حمایت مستمندان ارجاع و احياناً برای حصول نتیجه و اطمینان پیگیر قضیه شوند ملاحظه فرمودید که برای انجام عمل جراحی قلی شوهر آن دختر بظاهر دانشجو و پذیرش او موسسه با سرعت تمام دست بکار شد و در صورت مثبت بودن کار كل دویست هزار تومان یا با اخذ تخفیف لازم به بیمارستان پرداخت میشد و نیازی به هیچگونه پول خرد و آبروریزی و لطمه به شخصیت و امروز فردا و مساعه نبود و این بظاهر محروم کردن موقتی موسسه یا افراد بقصد تحقیق و علاج قطعی بدون آبروریزی صلاح است که بلافاصله یا مچ گدای نیرنگ ساز باز یا کار نیازمند حقیقی کلا روبراه میشود یا توسل به پول خرد و گدا بازی خوبست ؟ اگر کسی بخواند با پول خرد آبروریز بقصد عدم انزجار و محرومیت سائل اقدام عجولانه مسکن گونه و خام و نپخته بی نتیجه نماید و قصد نیل به ثواب آنی را دارد باید بداند که ثواب نیست عقاب است و این آبروریزیها مشکلات رسیدن

باهداف عاليه اين خريته را چندين برابر ميکند حالا جزاي خداوند قهار چه خواهد بود پرودگار دانا عالم است اين ترفندها و صدها حيله و ترفندهاي مشابه و دامهاي فريبکارانه هميشه سر راه است که در نتيجه عدم توجه و تفکر ظاهر بينان ساده لوح اين اسلام و جامعه اسلامي است که روياروي و نشانه آماج خدنگ بي توجهي عده اي قرار ميگيرند ، که موارد عبرت زياد لکن کو عبرت پذيران عاقل دلسوز.

محل مرغوب براي گدائي

همچنانكه مغازه دارها سعي ميكنند در چهارراهها و محل كثرت عبور و مرور مغازه دائر كنند گدايان هم سعي ميكنند در چهارراهها و بغل دست مساجد و امامزاده ها و چلوكبابيها و سينماها مستقر شوند و گاهي حلهاي مرغوب را با سرقفلي معامله ميكنند يك تاجر تبريزي ساكن آلمان ميگفت گداي ميرداماد تهران را در ونك ديدم علت پرسيدم گفت آنجا را بعنوان كادو عروسي به پسر دادم خودم به ونك آمده ام .

گدایان در انگلستان و هند

چند ماه پیش در انگلستان 31 میلیون یورو برای جمع آوری عرقخورها و گدایان اختصاص یافته معلوم نیست موفق خواهند شد یا نه ولی جمدهاله در شهر ما این مشکل خیلی پیچیده با اندک هزینه ای و با استمداد از کارفرمای اصلی (ذات پروردگار) و تحمل مشقات و زحمات طاقت فرسا قسمت مهمش حل شده (قسمت حل نشده مشکل تکدی زیر سر گداپروران ناآگاه ساده لوح است) که انشالله بیاری خدا و همت مردم این چند نفر باقی هم ریشه کن میشوند و کمکهای جالب و همه جانبه به درماندگان واقعی نیز با نظم و ترتیب مخصوص انجام مییابد شایان ذکر است یک بررسی نشان میدهد که تنها در شهر بمبئی هند 10/000 گدا که 47% آنها قادر بکار بودند وجود داشته است تعداد گدایان دهلی به 30/000 نفر میرسد از این عده 44/5% قادر به انجام کار بوده حالیه در تبریز تعداد گدایان (با وجود تشویق سائل پروران) از شمار انگلستان تجاوز نمیکند بلکه بآن حد نمیرسد و بنا باذعان و اقرار سازمان بهزیستی و برخی از رسانه های گروهی و اکثریت مردم شریف تبریز (شهر بدون گدا) عنوان یافته. بیائید همت کنیم تا این افتخار را به تحقق کامل برسانیم.

طرز آبیاری درختان

اگر بخیال اینکه درختان هیچ باغ را نباید از آبیاری محروم کرد بجزرد عبور از باغ يك استكان آب به بیخ درخت بریزیم یا درخت را از راه شاخه آب بدهیم نه ریشه آن ، بغير از اتلاف آب چه نتیجه میدهد ؟ مسلماً این طرز آبیاری صحیح نیست اگر دستوري براي ترك نکردن و غفلت نکردن از آبیاری هست بطرز صحیح و معقول آن است که باید این آبها را در يك خزن یا استخر جمع و بموقع درختان را بنحوي که سیراب شوند آبیاری کرد که این کار را (موسسه خیریه حمایت مستمندان تبریز) بطور کامل انجام داده که انشاء الله کاملتر خواهد شد و اگر کسی یا کسانی بخواهند نیازمندان یا درماندگان را خودماني خودکفا کند چه بهتر ! موسسه میخواهد امکاناً از تمام مفاسد و نیرنگ و پیامدهای تکدی جلودگري و تمام کمکهای ممکنه را دوباره نیازمندان اعمال نماید آنهم بدون آبروریزی. سوال این است که این روش بهتر است که دوباره کاری هم ندارد ، یا گداپروري ؟ که پرویان مال اندوزي کنند و آبرومندان محروم شوند .

الاعمال بالنیات

در بسیاری از موارد خود عمل مطرح نیست بلکه انگیزه و نیّتی که در پس این اعمال وجود دارد مطرح بوده مورد توجّه قرار میگیرد (الاعمال بالنیات) یعنی این نیّت و انگیزه است که تعیین کننده ارزش رفتار انسانهاست به تعبیر رفتارگرایان عمل رفتار و حرکت شاخص عینی انگیزه است امّا انگیزه يك پدیده مطلق نبوده و خواه ناخواه تحت تاثیر شرائط اجتماعي قرار میگیرد و تقویت میشود شرطي گشته یا از بین رفته و مضمحل میگردد ، هستند کسانی که هم متکدّیان را تشویق میکنند هم به موسسه پول میدهند اگر ده تومان خالی به سائل یکصد هزار تومان به موسسه بدهند بنظر مواسسه کار مفیدی انجام نداده اند چون هم آب به خزن میریزند و هم خزن را سوراخ میکنند عیناً مثل تجویز داروي هاي مقوّي و مفید و توصیه بخوردن داروهاي سمّي خطرناك.

گداپروان با دادن پشیزی به متکدّي آبروریز هم آبروي فردي و اجتماعي را بر باد میدهند هم نیروي کار را سلب میکنند هم کارهاي مثبت را از دریچه منفي مینگرند چرا ؟ براي آنکه بعقیده آنها نه تنها بهشت بلکه سعادت دنیا و آخرت با پول خرد رسواگر امکانپذیر است .

تقاضا از مردم شریف

از عزیزان نکته سنج و خوش ذوق که نسبت به درك مطالب روشن و تیزفهم بوده و سخن شناس هستند و از خرافات و پندار و گفتار و کردار سست و یاوه بیزارند صمیمانه تقاضا میشود اگر مطالب این صفحات درد دل گونه را مطابق واقعیت و سازنده و محق تلقی کنند برای رضای خدا و بمنظور حلّ معمای تکدی و گداپروزی این مشکل دینی و اجتماعی و مشکلات دیگر ، مردم را با بیان شیوای خود ارشاد فرمایند و شخصیت‌های بااستقامت و مثبت علمی و اجتماعی و روشنفکران و روشنگران و متنفذین آنهاییکه گفتار و کردارشان موثر است و همواره با اقدامات مبتکرانه ثمربخش بدعت شکن خرافه ستیز عشق و علاقه دارند به این موسسه و اهداف آن که کارفرمای کلّ و اصلی آن خدای جبلّ شانه میباشد حمایت فرمایند و اگر مطالب و مندرجات مورد اعتراض بوده یا نیاز به راهنمایی و تذکر دارد یا اینکه به مقتضای حسن ظن و مصداق (قبول دولتیان کیمیای این مس شد) مورد قبول واقع گردد بهر حال نیازی به دیدار باشد میتوانند در ساعات اداری و روزهای یکشنبه و سه شنبه ساعت 18 تا 20 به دفتر مرکزی تشریف فرما شوند (با تماس تلفنی قبلی) ضمناً خواهشمندیم مردم را بمطالب زیر راهنمایی فرمائید.

1) متکدیان حرفه‌ای را بوسیله تلفن 2330808 و پلیس 110 بدفتر مرکزی خیریه راهنمایی فرمایند تا توانمندان با کار و ناتوانان با مستمری تامین و گدایان زورگو را به دست قانون سپرده و متکدیان وارداتی با هزینه موسسه بموطن اصلی روانه شوند اگر چه این اقدام

حمله به معلول است علت اصلي تشويق کنندگان گدايان است که خدا
هدايتشان کند.

(2) صدقات جزئي خود را بصندوقهاي موسسه و کمکهاي کلان را به
حسابهاي بانكي (قرض الحسنه المهدي دارايي حساب 2000) - (ملت
صاحب الامر 6007) - صادرات شمس تبريزي جنب موسسه 1133) -
(تجارت در تمام شعبات ايران 5011 - 5120) - ملي بازار (40808)
واريز فرمايند. نشاني دفتر مرکزي : تبريز - خيابان شمس تبريزي -
روبروي مسجد شکلي

همتم بدرقه راه کن اي طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

روابط عمومي موسسه خريه حمايت از مستمندان تبريز

- 1- خالصه : املاك دولتي
- 2- توجه امام به آبرومندان است نه سائلين حرفهاي
- 3- پروفيسور كي ني ، yenyiK جهان را از دريچه چشم ديگران ديدن - ترجمه
حسن قندي - صفحه 76 - مطبوعات عطائي - تهران - 6431
- 4- همان صفحه 17
- 5- همان صفحه 17
- 6- همان صفحه 17
- 7- آگ برن و نيم كوف ((زمينه جامعشناسي)) اقتباس امير حسين آريانپور - ص
352 - شركت سهامي كتابهاي جيي - نشر يازدهم - تهران 7531
- 8- هدايت احمد ستوده : مقدمهاي بر آسيبهاي اجتماعي - صفحه 03 -
انتشارات آواي نور - تهران 4731
- 9- همان صفحه 13
- 01- همان صفحه 13
- 11- راغباصفهائي - معجمفرداتالفاظ قرآن - ماده نفق - صفحه 325 - بي جا - بي تا
- 21- علامه سيد محمد حسين طباطبائي - تفسير الميزان ج 2 عربي - صفحه 604 -
504 - چاپ اول آخوندي - بيتاريخ
- 31- براي اختصار - بعد از اين جمله مواسسه خريها حمايت مستمندان تيريز -
مواسسه يا خريها ناميده خواهد شد .
- 41- سوره اعراف آيه 402
- 51- تفسير الميزان و نمونه تفسير آيه وب اذ قيرهُ القرآن
- 61- پاورقي صفحه 7 دريوزگان
- 71- آبروها
- 81- حله : جامه دراز كه بدن را بپوشاند
- 91- ردا : روپوش لباسها
- 02- ازار : زير جامه و فوطه
- 12- 961/4 دريوزگان
- 22- شايد فعاليت اين مواسسه موجب شده كه گدايان متفرق شوند بطوريكه يكي
از اعضا مواسسه گدائي را در مشهد ديده بود متكدّي گفته تيريز را ترك و به مشهد
آمدهام مبادا به مواسسه خبر دهی كه مرا تعقيب كنند.
- 32- دريوزگان
- 42- زله : آنچه در ميهمني با خود ببرند
- 52- هاج - حيران و سرگشته
- 62- واج - كلام و سخن
- 72- در اين عصر پزشكان متعهدند كه هر چه توان دارند در بهبودي بيماران
بكوشند
- 82- نفرين بر كسانيكه اين انگلهاي اجتماع را هنام سادات شريف نمودهاند
- 92- صفحه 15 دريوزگان

